

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستا ن

پنجشنبه ۳ سرطان
سال ۱۳۶۱
June, 24, 1982.
شماره ۱۲۸ سال دوم
شماره مسلسل ۲۸۱
سال تأسیس ۱۳۵۹

تـروریـسـت واقعـی کیست؟

از دو هفته بدینسو کـــه تجاوز بیشرمانه اسرا ئیـل علیه خلقهای لبنان و فلسطین براه افتا ده است، این دو خلق در میان آتش و دودو خون بسرمی برند . این حمله وحشیانه به مقاومت سر سختانـــه ونیرومند وطنپر ستان لبنانی و خلق آواره فلسطین که بـــه وسیله همین صهیو نیستهای بیرحم از سر زمین خو یش رانده شده اند ، برخورد و مهاجمین بیشرم اسرا ئیلی را وا دار ساخت تابه متارکه تن در دهد . ولی این متارکه اجباری بر ر یا و حیله گـری اتکا داشته و وسیله ای بودجهت جمع آور ی نیرو ها ی تازه نفس تر بخاطر تشدیدتجاوز گری بر کشور مستقل لبنان. صهیو نیستهای خا یـن بخاطر پرده پوشی این عمـل ناجوانمردانـه خو یش ، ازطریق وزیر دفاع اسرا ئیـــل اعلام داشته اند که ((آتش بس ترور یست ها را دربر نمی گیرد .)) کدام تروریست ها ؟ آیا به معنی کلمات با ید شك بردو یااین گفته ها رااززبان گردانند گان و ا قعـی تروریزم نظامی یك نوع شو خی روز گار تلقی نمود ؟

آنانیکه از خوان بد نـام امپر یالیزم تغذیه میشو نـد همواره تلاش می ور زنـد تـامبارزه آزاد یبخش خلق ها را تحریف نموده وبا پر ر وئـی برچسب تروریـزم را بـر آن بکوبند. تروریزم وا قعی رابایددر سیاست و حشیانه نیرو های نظیر دولت صهیونیستی اسرا ئیل جستجو کرد کـه در پی امحای جمعی خلـق ها هستند. این همان تروریز م وحشتناکی است که لر زه براندام انسا نهای شرا فتمند جهان می انداز د . جنـــرال مستکبـر صهیـو نیسـت ((گاو یشس))می گوید :« مایك جنگ لوکس را به پیش می بریم » کشتار بیرحما نه ده ها هزار نفر از اهالی لبنا ن و آوارگان فلسطینی بها یی است که این جنگ((لوکس)) و «تجملی» صهیو نیست هـــا بارمغان مـی آ و رد. یـکبار در برابر دیدگان انسان همان صحنه های به آتش کشیدن شهر ها ، بزنجیر کشیـد ن انسانها و بخصو ص کشتار جمعی یهود یا ن بوسیله فـــاشیست های هیتلر ی ظا هر می گردد و معنی جنگـــ((لوکس)) و «تجملی» آقا ی بیگین شکل میگیـرد . ایـن گردانندگان جنگ لو کس از روز گاران وحشت انگیـــز گذشته درس عبرت نگر فته اندو نمی دانند که نمی توا ن بر ارا ده یك خلق غلبه حا صل نمود .

علیرغم د هشت و مرگـ وویرانی ناشی از تجـــاوز صهیو نیست ها ، مقا ومـــت قهر ما نانه جنبش ملی لبنا ن و مبارزین پر شور فلسطینی ادامه دارد . صهیو نیست ها علیرغم بکار بستن شیوه های فاشیستی قادر نخوا هند شد این دلیرا ن با اراد ه و ایمان را بزانو در آورد . هم اکنون جنگ بخاطر وجب وجب و کوچـه کو چه بیروت در اوج حا دثه آفرینی در جریان است .

فالا نژیست های فاشیست لبنانی که در قسمت شر قی شهر بیروت مسلط هستند وتاکنون بایك نوع لاقیـــد ی خوشبینانه نسبت به پیروزی صهیو نیست ها نظاره گـــر جنگ بودند ، اینك با مشـــاهده شکست نقشه های شوم تل آویو باتمام نیرووارد عمل شده و در کنار متجا وزیـــــن مواضع وطنپر ستان لبنا نی ومبارزین فلسطینی را مورد حمله قرار میدهند .

تا کنون ده ها هزار کشتـه و زخمی، بیشتر از ۶۰۰۰۰۰ آواره ، چندیـن شهـر ویران وصد مات بی حساب به اقتصاد و نظم زندگی اجتماعـــی درلبنان ، ارمغانی است کـــه جنگ لوکس طراز فاشیستی صهیو نیست های مستکبر خاین برای لبنان به بارآورده است. صهیو نیست ها فکر می کنند که با کشتن کودکان فلسطینی قادر خواهند بو د صدای پر طنین یك خلق را خا مو شـ سازند . ولی چه تصور باطل و کودکانه ای .

همد ستی امپریالیزم ایالات متحده امریکا در تجـــا و ز وحشیانه اسرائیل بر خـــاك لبنان به اندازه مشهود ا ست که سر دمداران واشنگتـــن حتی به تکذیب آن نمی پر - دازند . این همان امپریالیزم امریکا است که در کشور ما خود را عوامفریبانه مدافـــع اسلام جا می زند ولی درواقع خون پاك شهدای و طنپرست لبنانی و مبارزین فلسطینـی بر گردن آن است .

هم اکنون صدای اعتراض همگانی بشر یت علیه تجاوز اسرائیل و حامیان آن بـــر لبنان بلند شده است . مردم جهان اشکال مختلف اعتراض علیه این جنگ تحمیلی تباه کن صهیو نیست ها را براه انداخته اند .

در تونس منشی عمومـی اتحادیه کشو ر های عر بـی پیامی عنوانی لئو نیدبریژنف فرستاده و در آن از اتحـــاد شوروی تقا ضا بعمل آورده است تا «دست با اقدامـــات سریع و لازمی» در جهـــت پایان بخشیدن به تجـــاوز اسرائیل بزند .

ما یقین داریم که تجـاوز خاینانه اسرائیل بر سر زمین بلاکشیده لبنان بـی کیفـــر باقی نخواهد ماند .

تـوزیـع دیـپلـوم هـا، نشانها وجـوا یز دوسـتـی شـوروی- افـغـان

رفیق دو کتور انا هیتا راتب زاد عضو بیروی سیا سی کمیته مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن و رئیس ساز مان صلح ، همبستگـــی ود و ستی جمهور ی دمو کرا تیـــك افغانستان و رئیس انجمن دو ستـــی افغان ـ شوروی بپاس خد مــــا ت شایسته و فعا لیت های مثمر در امر صلح و دو ستی و تفا هم متقا بـــل میان مرد مان جمهور ی دمو کرا تیك افغا نستان و اتحاد جماهیر شوروی سو سیا لیستی به اخذ دیپلوم ونشان شماره یك طلا یی ازطر ف کمیته تدارك جوایز اتحاد شوروی بنا م دو ستی شوروی و افغان نا یل گردید .

دیپلو م ها و نشا ن جوا یـز دوستی شوروی و افغان برای سا ل ۱۹۸۱ روز ۳۱ جوزا ضمن مراسمی درمقر انجمن های دو ستی افغانستان بـــا کشور های خار ج برای عـــده یی از برند گان تو ز یع گردید .

دراین مراسم بعضی از اعضا ی بیروی سیا سی و منشی های کمیتـه مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلـــق افغا نستان ، ر ئیس شورای و زیرا ن بر خی از اعضای کمیته مر کـــزی حزب ، سفیر کبیر اتحاد شوروی مقیم کابل نیز اشترا ك و رز یـــــد ه بودند .

دراین مراسم نخست ر فـــیق عبدا لمجید سر بلند معاون شورا ی وزیرا ن وو زیر اطلا عا ت و کلتور در ارتبا ط به روا بط دو ستی حسنه میان جمهور ی دمو کرا تیك افغانستان واتحاد شورو ی مختصر اصحبت کرده وجوایز دو ستی شورو ی و افغا ن را یك گام مثبت وعالی د ر جهـــت تقو یه بیشتر این منا سبـــا ت خواند .

سپس تا بیف فکر ت احمـــد جانوو یچ سفیر کبیر اتحاد شوروی مقیم کابل بیاذ یـــادایراد گــر د ه چگو نگی جوایز دو ستی شورو ی و افغان را تو ضیح نمود .

سفیر کبیر اتحاد شوروی گفت : تصمیم در مورد اعطای جوایز هرسال درآستانه فرارسیدن سالگرد انقلاب ثور اتخا ذ میگردد برای برند گان جوایز مذکور دیپلو م مخصو ص ، نشا ن و مکا فا ت پو لی داده می شود و همچنان برای آنا ن زمینه بعمل آوردن دید وبازدید از اتحاد شوروی فرا هم میگردد .

سفیر کبیر شوروی در ا خیر دریافت جوایز و نشا ن ها را بـــه برند گان آن تبر یك گفت :

بعد از آنکه دیپلوم ها و نشا ن های جایزه دوستی شوروی و افغا ن به برند گان آن توسط سفیر کبیـــر اتحاد شوروی تفو یض گردید رفیـــق دو کتور انا هیتا راتب زاد طی بیانیه اظهار داشت : ما در این لحظات که مفتخر به ارمغان بز رگ دو ستی در برابر کار های که هنوز شا یستگی آنرا ندارد گردیده ایم از هر و قـــت بیشتر سنگینی وظایف و مسوو لیت های خود را در قبا ل وطن ودر قبا ل اتحاد شوروی ، عظیم و عظیمتـــــر احساس میکنیم و به شما سفیرکبیرواز طریق شما به همه خلق های برادر شوروی ، حزب لنینی ،دو لـــت شورو ی و انجمن دو ستی شورو ی و افغا ن اطمینا ن مید هم کـــه پایدار ، با ایما ن ، و فادار ، بـــی خد شه و خلل ناپذیر در امر تحکیـــم این دو ستی تا اعما ق توده ها ونسل های آینده از کرا ن تاکرا ن کشور حتی در جها ن مجدانه سعی و تـــلاش می نمائیم .

درین مراسم نشا ن شماره یـــك از طر ف اتحادیه انجمن های دو ستی و روا بط فر هنگی با کشور هـــــای خار جی به دو کتور انا هیتا راتب زاد نشان شمار ه دوم از طرف ژورنالستان اتحاد شوروی به روز نامــــه در فش جوانان افغانستان ، نشان شماره سوم از طرف اتحادیه نقاشان اتحادشوروی به رحمت الله ، نشا ن شماره چهار م به زهری سید زاده و نشان شما ره پنج به محمد اشر ف ، نشا ن شماره ۶ از طر ف اتحادیه فلمبر دارا ن اتحاد شوروی به توریا لی شفتلی ، نشا ن شماره ۷ از طر ف اتحاد یه نو یسند گا ن اتحاد شوروی بـــه نصر الله حافظ ، نشا ن شماره ۸ از طر ف اتحادیه آهنگسازا ن اتحـــاد شوروی به مسحور جما ل و نشا ن شماره ۹ از طر ف انجمن تیاتـــر سرتا سری شوروی به رفیق صاد ق داده شد .



رفیق اناهیتا راتبزاد هنگام دریافت نشان طلائی دوستی شوروی-افغان ازجانب رفیق تابییف فکرت احمدجانوویچ سفیرکبیر اتحاد شوروی در کابل .

تولید سیلوهای بلخ وپلخمری دوبرابر میشود

قرار داد توسعه دستگاه های سیلوی پلخمر ی و سیلو ی ولا یت بلخ بین ریاست عمو می ارزا ق وکوپراتیف و مستشار یت اقتصاد ی سفـا ر ت کبرای اتحاد شوروی در کابل قبل از ظهر ۳۱ جوزا در اتا ق دو ستی افغان- شوروی در سیلوی مر کز به امضاء رسید .

به مو جب قرا ر داد متذ کر ه ظر فیت تو لیدی سیلو های پلخمری وولایت بلخ هر کدا م از بیست هزارتن به چهل هزار تن ارتقا می یابد .

در ولسوالی پنجشیر

سـپـاهـیان انـقـلاب باشـور انـقـلابی بـه کـار آغـاز کـردنـد

سپا هیا ن انقلاب بااینجا د گروپ ها ی تبلیغی در مرکز وقرای و لسوا لی پنجشیـــر باشور و شو ق انقلابی به کار آغاز نمودند .

در محفلی که روز بیست و ششس جو زا به مناسبت آغا ز کار سپا هیا ن انقـلاب د ر بازارك پنجشیر تر تیب شده بود ، رفیق یاسین صا د قی عضو کمیتهٔ مرکز ی حز ب دموکرا تیك خلق افغانستا ن و رئیس عمو می ار گا ن های محلی قد ر ت دو لتـــی ، د ر حالیکه عد ه یی از ا ها لـــی شریف با زارك ، سربازا ن وافسرا ن قوا ی مسلح حاضر بودند ، طی بیانیه یی خطا ب به سپا هیا ن انقلاب گفت :

«به صرا حت گفته میتوانم که رفقا ی ما بی شا یبـــه ترین و بزرگترین کار ها را چنانکه باو جدا ن انقلابی در انجام آن سو گند یاد نموده اند انجام داد ه و خوا هنـــد داد . »

«این بار او ل نیست کـــه سپا هیان انقلاب به چنیـــن کار ی اقدا م میور زند ، هـــر باریکه ضرور ت احساس شده رفقا ی ما سهم شایسته شان را ایفا کرد ه در مقا بلـــه رو یارو ی با دشمنان مر د م وانقلاب شجا عا نه وقهرمانانه رزمید ه اند . »

بعداً قوما ندان لـــــوای سی‌و هشت کو مأند و بـــه نمایندگی از سر بازا ن وافسران طی بیانیه یی اظها ر داشت :

«سر بازا ن وافسر ا ن ار دوی قهر مان کشور عزیز ما که با و رود خود به اینجا پیا م صلح و صفا و زند گی پر از سعا د ت را به ار مغا ن آورد ه اند . و ظیفه دارندکه مرد م ز حمتکش و لسوا لی پنجشیر را از خطر تنها جم د شمـــن بـــرا ی همیش نجا ت دهند . ما در انجـــا م این رسالت تاپا ی جـــا ن حا ضریم و بمرد م شریـــف این و لسوا لی اطمینـــا ن مید هیم که ار دوی قهرما ن کشور آنها راتنها نخوا هد گذ اشت . »

« خبرنگا ر « حقیقت انقلاب ثور» از پنجشیر گزا ر شـــ مید هد که روز بیست و شش جوزا سپا هیان انقلاب عـــلاوه برتبلیغ و تو ضیح ا هدا ف والا و انسا نی حزب و دو لت، در کار انتقا ل مقدا ر ز یا د اموا ل و مواد امداد ی بـــه گدام های ذخیره سهـــــــم گرفتند که ازین مدر ك مبلـغ هنگفتی عاید دو لت گرد ید ه است . همچنا ن عده یی ازین سپا هیا ن شجا ع انتقا ل اعاشه سر بازا ن را به پسته های امنیتی به عهد ه گر فته اند .

«صا ه قیار »

اخـبـار خـارجـی: واقـعـیـت هـا، حـوادث

مذاکرات وزرای خارجه اتحاد شوروی وامریکا در نیو یـارك

اندری گرو میکو وزیر خار جه اتحاد شوروی و الکسا ندر هیگـ وزیر خار جه ایالات متحده امریکـــا روز ۲۹ جوزا برای دور دو م در نیویارك مذاکره کردند .

آنها به تباد ل نظر در موردمسایل اساسی روا بط بین اتحاد شوروی و امریکا ادا مه داده و او ضاع نقا ط مختلف جهان را مورد بحث قـــرار دادند .

گزار ش رسیده از نیویــــا ر ك حاکیست که او ضا ع خطر نا ك شرق میانه که در نتیجه تها جم و حشیانه اسرائیل بو جود آمده مو ضوع مهم مذاکرا ت آنها بود .

درین مذاکرا ت از طر ف اتحاد شوروی خا طر نشا ن گردید کــــه امریکا مسئو لیت حمله و حشیا نه اسرائیل بر لبنان را بعهده دارد . و بر تقاضای اخرا ج فو ری بدون قید و شر ط عساکر اسرائیل ازلبنان نیز ازطرف نمایندهٔ اتحاد شــــورو ی مجدداً تاکید گردید .

همچنا ن اندری گرو میکو د ر جریا ن تباد ل نظر در مورد مشکـــل افریقای جنو بی به ضرور ت حـــــل پرابلم نا میبیا تاکید کرده و حــــل جدی آنرا از طریق فیصله نامه های ملل متحد خواستار گردید .

اندری گرو میکو در دوران ایـــن ملاقا ت سیاست خار جی امریکا را که با منافع صلح امنیت بین‌المللـــی مغایرت دارد مورد ارزیابی قرار داده است .

وی در ین ملاقا ت تا کید کرده که اتحاد شوروی آماد گی خود را برای پیشر فت به سوی بهبـــود فضای سیا سی در روا بط بین دو کشور ، حل مسایل مهم در قد م اول در ساحا تیکه متو جه مسایل صلح و جنگ می باشد ابرا ز داشتـــه است .

جانب شوروی با ارتباط بـــه مو ضو ع تا کید کرده که نیل به نتائج مثبت در مذاکرا ت مو جوده تحدید اسلحه ستراتیژ یکی در اروپا و مذاکرات آینده تحدید و کا هش اسلحه ستراتیژیکی صر ف از راه محتر م شمرد ن جدی اصل امنیـــت متساوی طرفین میسر می‌باشد .

باساس گزارش قبلی اند ری گرو میکو و الکساندر هیگ و زیـــر خار جه امریکا روز ۲۸ جوزا نیز در نیویـــارك روی مسایـــل کنترو ل تسلیحا ت برای پنج ساعت مذاکره کرده و بر مذاکــــره بیشتر روی موضوعات موافقه کرده بودند .

بگزارش رویتر از نیویـا رك الکسا ندر هیگ پس از ختم مذاکره اول به خبر نگاران گفته است کـــه اتحاد شوروی و امریکا به اصو ل روابط میان خود توجه زیاد مبذو ل نموده‌اند .

نیروهای عراق از ایران خارج میشود

عرا ق آغاز خارج سا ختن نیرو های خود را از قلمرو ایران که نیرو های آنکشور طی جنگ اشغـــا ل نموده بود اعلام کرده است .

به گزار ش تاس از بغداد ایـن مطلب را روز ۳۰ جوزا صدام حسین رئیس جمهور عرا ق ضمن بیانیه اش خطاب به مردم عراق اعلام نمـــوده است .

در بیانیه گفته شده که طبق اعلام متار که و اخرا ج عساکر عراق ا ز قلمرو ایرا ن به تاریخ ده ماه جنون نیرو های عرا ق از مرز بین ایرا ن وعراق طی ده روز خارج خواهند گردید.

مکتب عنابه پنجشیر دوباره گشایش یافت

مکتب متوسطه قریه عنابه ولسوالی پنجشیر که در اثر اعمال ننگین و تهدید و تخویف اشرار بی فرهنگ مسدود شده بود اخیراً دوباره برای نوجوانان ولسوالی، مفتوح و شاگردان بدرس آغاز کردند.

در مراسم افتتاح مکتب، رفیق انجنیر یاسین صادقی رئیس عمومی ارگانهای محلی اداره دولتی، سپاهیان انقلاب، منشی کمیته حزبی ولسوالی و عدهٔ کثیری از مردم زحمتکش قریه عنابه حاضر بودند.

تدویر مجدد این مکتب یکبار دیگر پیکار حزب دموکراتیک خلق افغانستان را بخاطر تنویر جوانان و آموختن علم و دانش به آنان به اثبات میرساند و دشمنان انقلاب و مردم که خود از علم دانش محروم اند و با بی مروتی و بی مسئولیتی در برابر آینده جامعه، در صدد مسدود کردن مکاتب و مدارس و قتل‌کشتار جوانان، پیران و اطفال بیگناه میباشند شرمسار وخجل از اعمال شوم و غیر انسانی خود باید بدانند که در برابر شان حزب قهرمانی قرار دارد که هیچ عمل شوم آنان را بی مجازات نمی گذارد.

قرار یک خبر دیگر به اشتراک عده کثیری از مردم زحمتکش بازارک و ولسوالی پنجشیر گردهمایی وسیعی در آنجا صورت گرفت که در آن رفیق صادقی در باره پروگرامهای دولت انقلابی ما در جهت رفاه و آسایش مردم به صورت همه جانبه صحبت نمود.

در پایان این گردهمایی در حالیکه مسئول سرتاسری سپاهیان انقلاب در ولسوالی پنجشیر نیز حاضر بود یک مقدار اموال و اجناس که از طرف دولت به مردم مستحق بازارک پنجشیر ارسال شده بود توزیع گردید.

مردم ولسوالی پنجشیر بااظهار سپاس از دولت انقلابی افغانستان بخاطر تامین امنیت در آن ولسوالی و کمک های به موقع دولت برای مستحقین آمادگی کامل شان را در راه تامین آرمانهای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز داشتند.

تشکیل شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن در پکتیا

شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن ولایت پکتیا روز ۲۹ جوزا طی مراسم باشکوه تاسیس گردید.

دراین مراسم که در سینمای گردیز بر گزار گردید اعضای حزبی سازمانهای اجتماعی، افسران و سربازان قوای مسلح و خارندوی و جمع کثیری از موسفیدان و نمایندگان اقوام و قبایل ولایت پکتیا اشتراک ورزیده بودند.

پس از ایراد بیانیه اساسی توسط آمر زون جنوب غرب وصحبت های منشی کمیته حزبی ولایتی والی پکتیا حاجی کندهاری، ملک سلیمانخیل، ملک میاجان و حاجی عبدالرحمن به نمایندگی از اقوام احمد خیل، منگل، جدران، احمدزایی و همچنان اتم سنگر به نمایندگی از اهل هنود و نمایندگان شورای ولایتی اتحادیه های صنفی، سازمانهای دموکراتیک زنان و جوانان خارندوی و ریاست محکمه ولایت پکتیا به تایید از بیانیه اساسی سخنرانی نموده هر گونه آمادگی و جانبازی را در تحقق اهداف ملی جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز داشتند.

بخش اول جلسه باصدور قطعنامه‌یی انجام پذیرفت ودر بخش دو مرئیس معاون و اعضای شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن ولایت پکتیا در فضای آزاد و دموکراتیک انتخاب گردیدند. (ب)

محترم کواټ :

کمیته ملی جبهه ملی پدروطن یگانه وسیلهٔ حل مشکلات

شورای ولایتی جبههٔ ملی پدر وطن در ولایت ننگرهار از اهمیت وحیثیت به خصوصی دربین زحمتکشان بر خوردار است. مردم ولایت ننگرهار روز تا روز به گرد جبههٔ خویشس متحد میگردند و تا حال بیشتر از بیست و هشت هزار عضو دارد. در شورای ولایتی ننگرهار مجموعاً چهار ده سازمان مختلف اجتماعی عضویت دارد.

کواټ خان رئیس شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن ولایت ننگرهار

محترم کواټ رئیس شورای ولایتی جبههٔ ملی پدر وطن ولایت ننگرهار طی مصاحبه یی با خبرنگار حقیقت انقلاب ثور گفت:

«شورای ولایتی ننگرهار در مدت زمان کم توانست با ایجاد میتنگ های مختلف وجرگه های محلی اهداف و مقاصد جبههٔ ملی پدر وطن را توضیح نماید.

وی علاوه کرد:

«اگر چه جرگه در وطن ما یک عنعنهٔ ملی است و لی با آنهم به شکل جدید آن یعنی جبههٔ ملی پدر و طن یک پدیده جدیدیست که برای اولین بار در مملکت عزیز ما ایجاد شده است.»

کواټ گفت:

«در شهر جلال آباد یک تعداد کمیته های محلی و ناحیوی جبهه ملی پدر وطن تشکیل گردیده بکارهای اساسی خویشس شروع نموده اند.»

وی علاوه کرد:

«وظیفه ما ایجاد تفاهم بین اقشار مختلف ولایت میباشد تا بدینوسیله برای کار های آینده جبهه شرایط مساعد گردد. البته درین راه بسویه های مختلف با اهالی بصورت دسته جمعی و انفرادی تماس گرفته شده و درین راه کارما دوام دارد.»

رئیس شورای جبهه ملی پدر و طن ولایت ننگرهار ربه جواب سوال دیگری گفت:

«شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن ولایت ننگرهار به همکاری کمیتهٔ حزبی ولایت توانست در شهرجلال‌آباد ونواحی آن کار های دسته جمعی غرض پاککردن شهر جلال آباد و توزیع یک اندازه کمک های اولیهٔ سره میاشت را به مردم آن ولایت سازمان دهد و هم بعضی از مشکلات انفرادی زحمتکشان ولایت ننگرهار به همکاری جبهه ملی پدر وطن و با تماسی که با مقامات و دوایر دولتی مربوط ولایت، صورت گرفته رفع شده است و ازین رو، روز به روز مردم بسوی جبهه می آیند و جبهه رایگانه وسیلهٔ حل مشکلات خود میدانند.

وی گفت: در پلینوم دوم کمیتهٔ ملی جبههٔ ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب شد که روسای شوراهای ولایتیهمه عضوشورای مرکزیجبههملی پدر وطن می باشند. این تصویب زیاد مثبت است زیرا از این طریق روسای شوراهای ولایتی میتوانند تمام اجراآت وفعالیت ها و مشکلات خود را در وقت معین به مقامات مسوول برسانند و به زودترین فرصت به حل پیشنهادات، پرابلم ها و مشکلات بپردازند.

عزیمت سپاهیان انقلاب از کندز

دسته‌یی از سپاهیان انقلاب مشتمل بر اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اعضای سازمان دموکراتیک جوانان ولایت کندز اخیراً به مقصد توضیح و تبلیغ مشی اصولی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عازم یکی ازولسوالی های آنولایت گردیدند.

در مراسمیکه قبل از عزیمت این رزمندگان راه انقلاب بر گزار شد یکتن از سپاهیان انقلاب به نمایندگی از همقطاران خودآمادگی همه جانبه را در تطبیق آرمان های والای مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور وایجاد زندگی مرفه و سعادتمندبرایزحمتکشان کشوروعدهداد.

پنجمین پلینوم شورای شهری اتحادیه‌های صنفی شهر کابل افتتاح گردید

پنجمین پلینوم شورای شهری اتحادیه های صنفی شهر کابل قبل از ظهر ۳۰ جوزا در تالار کنفرانس های شورای شهری دایر گردید.

کار پلینوم بعد از پخش سروده ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان و انتخاب هیات رئیسه و کمیسیون تحریر و قطعنامه آغاز شد.

در بیانیه اساسی در مورد فعالیت های شورای شهر آمده است که:

در فاصله بین دو پلینوم هیات رئیسه ۱۶ جلسه نموده که در جلسات خود علاوه بر اجرایامور یومی وجاری بر هنمایی وکمک شورای مرکزی اتحادیه هایصنفی افغانستان و کمیته حزبی شهر کابل ح. د. خ. ا معضله ۱۵سازمان اولیه اتحادیة را مرفوع ساخته و کار ۵۵ سازمان اولیه اتحادیه را در جلسات بر رسی نموده است که کار سازمان اولیه اتحادیه صنفی ریاست عمومی ارزاق کار و ساختمان شاروالی کابل ملیبس و اصلاحات ارضی مثبت ارزیابی گردیده است.

در فاصله بین دو پلینوم ده سازمان اولیه اتحادیه جدیدا ایجاد شده، ۲۵ سازمان اولیه فلجشده دوباره احیاء گردیده، در ۶۰سازمان اولیه ۲۵۵ سازمان شعبه وی و ۹۰۰ سازمان گروپی ایجاد شده است.

شصت نفر از رؤسای اتحادیه ها جهت ازدیاد معلومات سندیکایی به کشور های برادر اتحاد شوروی، چکوسلواکیا و بلغاریا فرستاده شدند که موفقانه باز گشتند.

شصت نفر از رؤسای اتحادیه ها در سیمیناریکه از طرف فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در مقر شورای مرکزی برای مدت ۱۲ روز دایر شده بودشرکت ورزیدند.

۹۵۱۰ جلد کارت عضویت و ۱۸۹۴۰ قطعه کارت سوانح اعضاء نمره گذاری و به سازمان های اولیه توزیعشده است.

متکی بر پلان تدابیر عملی کمیته حزبی شهر کابل در بخش اصناف و تشکیلات ما اتحادیه برنج فروشان، قنادان، ماهی پزان، قصابان و تر کاری فروشان ایجاد گردیده است.

کار سازماندهی ۵۰۰ نفر کاندید از اطفال زحمتکشان شهر کابل جهت استراحت در استراحت گاه های اتحاد شوروی به پایه اکمالرسیده که عنقریبعازم اتحادشوروی میشوند.

در فاصله بین دو پلینوم به ۴۷۴۸ نفر عضو مستحق مبلغ ۴۷۰۳۱۶۳ افغانی به اقساط قرضه داده شدهاست و به ۹۸۲ نفر مبلغ ۶۳۴۹۹۶ افغانی طور بلا عوض کمک شده است.

مبلغ ۶۲۰۶۱۳ افغانی از پول های حیف و میل شده قبل از مرحله تکاملی انقلاب را تحصیل نمودهایم وسلسله تحصیل پولهای حیف و میل شده سابق جریان دارد.

مجموعا در شهر کابل ۲۱۶۸ ورزش کار درمربوطات سازمان های اتحادیه های صنفی وجود دارند که در تورنمنت ها و مسابقات منفردانه تیم های سپورتی اشتراک می ورزند.

در سازمانهای اتحادیه های صنفی شهر کابل ۱۵۷۸۹ سوادآموز در ۱۰۵۲ کورس مصروف فرا گیری سواد اند.

تعداد گروپ های هنری به ۵۰ میرسد که ۳۸۶ نفر هنر مند آنرا تشکیل نموده اند. در ۱۵ سازمان اتحادیوی جرایددیواری بمنظور روشن ساختن ذهنیت زحمتکشان و توضیح اهداف اتحادیه های صنفی هر ۱۵ روز و ماهوار به نشر میرسد. مجموع کتابها در سازمانهای اتحادیه های صنفی شهر کابل به ۲۸۰۰۰ جلد میرسد در بیشتر از ۱۶۰ سازمان اولیه جریده «حقیقت انقلاب ثور» در جاهای معین نصب میگردد و به تعداد (۷۰۰)ورق پوستر به مناسبت های مختلف در شهر کابل نشر و توزیع گردیده بیشتر از ۲۰۰۰ جلد کتاب و مجله و ۳۰۰۰ ورق تبلیغی در جهت افشای چهره های دشمنان وطن و انقلاب پخش گردیده است.

به پیشواز چهارمین سالگرد انقلاب ثورمسابقات کار در ششماه دوم سال ۱۳۶۰ از طرف شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان درسراسر کشور اعلام گردید.

از جمله اعضای اتحادیه صنفی ۱۰۶۰۹ نفر کهدر ۲۷ مؤسسه اقتصادی شهر کابل کار مینمایند، ۷۴۷۰ کارگر ۱۹۷۵ نفر اجیر و ۱۱۶۴نفر مامور در مسابقات کار شرکت ورزیده بودند کهدر نتیجه به اساس صرفه جویی در مواد خام، استفاده از ذخایر و مواد اضافی ومواد داغمه و تولید بیش از پلان واز جام فعالیت های ابتکاری عده زیادی از کارگران مثل: میر امام جان واختر محمد کارگران ریاست میخانیکی عزیز و محمد عظیم کارگران مطبعه دولتی، سید موسی کارگر کار و ساختمانی شاروالی، حاجی عزیز احمد کار گر ساختمانی افغان، مبلغ ۱۹۸۴۳۷۰۳۱۰ افغانی عاید دولت شده است.

در بخش دوم کار پلینوم محمود کارگر مسوول تفتیش شورای شهری اتحادیه های صنفی و بعدا عبدالواحد معاون اتحادیه های صنفی فابریکه خانه سازی، ظاهره رئیس اتحادیه صنفیوزارت مخابرات محمد یاسین رئیس اتحادیه صنفی قصابان، عبدالغفور رئیس اتحادیه صنفی تصدی ملی بس و معراج الدین رئیس اتحادیه افغان تر کانی بیانیه هایی در تایید بیانیه اساسی ایراد نموده پیشنهاداتی به شورای شهر ارائه نمودند و تعهد سپردند که پلان تولیدی خویش را تطبیق نموده، مسابقات کار را آغاز و از مواد خام صرفه جویینموده کارهای داوطلبانه را سازمان دهند، دفاع خودی مؤسسات را بیشتر از پیش گسترش داده، دشمنان کار، جانیان وقاتلان رانابود سازند و در ساختمان جامعه نوین عادلانه و شگوفان سهم فعال گرفته در راه تحقق آرمانهایشریفانه حزب و دولت انقلابی خویش پیگیرانه سعی و تلاش نمایند

گزارشگر ح. ا. ث، می افزاید در قسمت بعدی کار پلینوم، ۱۷ نفر به صفت اعضای شورای شهر اتحادیه های صنفی شهر کابل و ۳ نفر به حیث اعضای هیات رئیسه پیشنهاد گردیدند که بعداز رأیگیری به اتفاق آراء مورد تایید قرار گرفت.

در اخیر قطعنامه پلینوم توسط یکی از شرکت کنندگان قرائت گردید.

«شهکار»

نفت و گاز و دورنمای انکشاف آن

در افغانستان برای نخستین بار درسال ۱۳۳۶ مطالعات و تحقیقات جیولوژیک و جیو فزیک برای کشف، تثبیت واستخراج نفتو گاز به همکاری اتحاد شوروی در سمت شمال کشور آغاز گردید.

و از آن زمان تاکنون کار کشف، تثبیت واستخراج گاز دریک ساحه وسیع یکصدو سیزده هزار کیلومتر مربع انجام یافته است که، در نتیجه منابع بزرگ گاز کشف و تثبیت گردیده و قسمتی از آن استخراج ومورد بهره برداری قرار گرفته است.

تحقیقات نشان میدهدکه پیمانه نفت تثبیت شده در نواحی مختلف سمت شمال به دوازده میلیون تن میرسید اندازه منابع دیگر کشف شده هنوز معلوم نیست. ولی کار تحقیق بر مه کاری های عمیق تفحصاتی و تثبیت آنجریان دارد.

گاز :

علاوه بر استفاده در فابریکه های کشور از صدور آن به کشور دوست اتحاد جماهیر شوروی در شت ترین قلم عایداتی (بیشس از پانزده ملیارد افغانی که هشتاد فیصد ارزش تمام محصولات تولیدی وزارت معادن و صنایع ودر حدود یک سوم عواید دولت را تشکیل میدهد)، بدست می آید.

ساحه هایی که در آن گاز کشف شده و استخراج وبهره برداری از آن جریان دارد:

۱ ساختمان خواجه گوگردک:

این ساختمان در جوار شرقی ساختمان یتیم تاق ولایت جوزجان قرار داردکه دارای چهلو هفت اعشاریه هفت ملیارد متر مکعب گاز قابل استخراج میباشد. گاز این ساختمان از طریق سیو نه حلقهچاه هایاستخراجی ودستگاه های تجمعوخشک کننده، از سال ۱۳۴۶ تاکنون استخراج و بهره بر داری میگردد.

در طبقات عمیق تر، (جیو راسیک) اینساختمان نیز گاز موجود است که نظر به تحقیقات ابتدایی ممکن دارای هجده ملیارد متر مکعب گاز باشد.

۲ـساختمان جرقدوق:

در هجده کیلو متری جنوب غرب شهر شبرغان ولایت جوزجان واقع است و دارای بیست و هفت میلیارد متر مکعب گاز قابل استخراج میباشد. این ساختمان با دستگاه ها و تاسیسات تجرید سلفر و خشک کننده گاز مجهز بوده و گاز آناز طریق نزده حلقه چاه های استخراجی از سال ۱۳۵۹ تاکنون بهره برداری می شود. بیشس از پنجاه فیصد مجموع تولید سالانه گاز کشور از این ذخیره تامین میشود.

ساحه هایی که گاز آن هنوز مورد استخراج و بهره بر داری قرار نگرفتهاست:

۱ـساختمان یتیم تاق:

در ولایت جوزجان واقع است در طبقات گستریفو همچنینطبقاتجیو راسیک این ساختمان ذخیره گاز تثبیت گردیده و بر مه کاری حفر چاه های اکتشافی برایتعیین مقدار گاز جریان دارد که در اواسط سال ۱۳۶۲تثبیت خواهد شد و کار مراحل بعدی آن به منظور بهره بر داری از گاز روی دست گرفته میشود.

۲ـعلاوه بر آن در مناطق دیگر جوزجان نیز گاز کشف گردیده که برمه کاری های اکتشافی در آن نواحی ادامه دارد:

الف ـ ساختمان جمعه،

بـساختمان جنگل کلان،

جـ ساختمان باسیکورد،

دـ ساختمان خواجه لولان،

این ذخیره ها دارای دو اعشاریه پنج میلیارد متر مکعب گاز تثبیت شده می باشد. قابل یاد آوریستکه به اساس نتایج کار های انجام شده بیشس از یکصدو دوازده میلیارد متر مکعب گاز قابل استخراج تا حالدر صفحات شمال و لایت جوزجان تثبیت گردیده که از آن جمله در حدود سی و ششس میلیارد متر مکعب آن از ذخایر خواجه گوگردک وجرقدوق تا آخر سال ۱۳۶۰ استخراج گردیده است.

از مطالعات و تحقیقات انجام شده در ساحه رسوبی شمال کشور چنین نتیجه گیری میشود کهمقدار زیادی نفت و گاز درساحهٔ مذکور تشکل نموده که بایست بعد از انجام فعالیت های تفحصاتی در آینده ذخایر جدید کشف و تثبیت گردد.

نفت :

نتایج تحقیقات چندین ساله تفحص در حوزهشمال کشور نشان میدهد که مناطق نفت خیز بیشتر در نواحی سر پل و لایتجوزجان وقسمت های قیصار و لایت فاریاب و منطقه کلداروحیرتان ولایت بلخ تمرکز یافته است که دورنمای خوبی برای کشف و بهره برداری نفت دارد.

در ساختمان های انگوت، آقدریا و قشقری سر پل مجموعا یازده اعشاریه شصت و هفت میلیون تننفت کشف و تثبیت گردیده استو همچناندرنواحی خواجهسیلان میمنه و احمد آباد هرات در مراحل ابتدایی اکتشافی علایم نفت، موقع برمهکاری دیده شده است.

در نظر است ذخایرتثبیت شده در آینده انکشاف یابد وتصفیه خانهٔ نفت به ظرفیت لااقل پنجصد هزار تن نفت خام در سال که قابل توسعه نیز باشد در کشور اعمار گردد، ریاست نفت و گاز در نظر دارد تا این فعالیت ها علاوه بر سمت شمال در دیگر نواحی رسوبی کشور با طرح و تطبیق پلان های وسیع گسترش یابد. و همچنان این ریاست پلان های انجام شده سرویجیولوجی وجیو فزیکی در مناطق دیگر کشور و انجامبرمه کاری های تفحصاتی در حوزه سمت شمال کشور و همچنان پلان آماده ساختن کدر های فنی وورزیده راکهنقش عمده دارد با استفاده از امکانات داخل و خارج کشور، روی دست گرفته است.

(شعبه اقتصاد)

نسل‌های آینده کشور ما وحشیگری‌های نوکران امپریالیزم را فراموش نخواهند کرد

دوازده ثور ۱۳۶۱، آفتاب از پشت کوه‌های بارگام سر زده نور طلایی رنگ آن همه دشت و دامان آن دیار کوهستانی را فرا گرفته بود. قطرات باران از روی برگ درختان مثل دانه‌های یاقوت هفت رنگ به زمین می‌چکید. سبزه‌های کوهی همه گویا بر رخ انسان می‌خندیدند.

دهکده ملا خاموش بود. مردم باعلاقه تمام به طرف کشت زارها و عقب رمه‌های شان روان بودند. ناگهان صدای ترق‌ترق از میان رودخانه بر خاسته به طرف قریه نزدیک شده رفت. همه دهاتیان وارخطا به سوی یکدیگر می‌دیدند اطفال قریه وقتیکه چهره‌های خشن و غضبناک سردسته‌های ضد انقلاب را دیدند چشمان شانرا بسته گریه‌کنان به‌آغوش مادران‌شان پناه بردند. یکی ازاعضای باند جنایت کار گلبدین که همراه با سایر اشرار به سرکردگی انور ولد محمد شریف با پوزهای پیچانده در دستار و تفنگ‌های امریکایی بر شانه روان شده بود به یکی از این اطفال بیگناه صدا کرده گفت ایستاده شو، تره خو میگویم ... استاده شو. طفلک معصوم از شدت ترس ووحشت اشک در چشمانش حلقه زده رنگ پریده ایستاد شد و مظلومانه پرسید: چه میگویید؟

ضد انقلابیون در حالیکه یک تعداد شان قبلا خانهٔ «پری» دختر جوان و باغیرتی را که چند ماه قبل بایک‌جوان از قریه شان به مشوره پدر ومادرش نامزد شده بود، محاصره کرده بودند، دور طفل مظلوم حلقه زده ازوی پرسیدند که پری کجا است؟ طفلک معصوم وقتی به‌چهره‌های این ظالمان بی خبر از انسانیت نگاه کرد دریافت که حتماً به قصد کشتن وبردن کسی آمده‌اند. هوشیارانه جواب داد که من خبر ندارم. فورا یکی از این اشرار بی عاطفه چنان سیلی بروی طفل نه ساله حواله نمود که رویش به گفتهٔ خود او توتهٔ آتش گشته کلاهش دو متر دور تر پرید. آنان‌را همچو وحشیان درنده برسرطفلک بیچاره ریختند و به تکرار مساله را از وی می‌پرسیدند و با مشت و لگد بر سرورویش می‌کوفتند تااینکه پدر موی سفید هشتادو پنج ساله «پری» رااز خانه‌بیرون آورده کشان کشان و با حوالهٔ مشت و قنداق تفنگ برسر و شانه اش او را به چقری دورتر از ده بردند و بار ها به تکرار از وی می پرسیدند که دخترت را به فلان .... «مجاهد» میدهی یا خیر؟

مرد سالخورده در حالیکه به سختی نفس میکشید به طرف سرکرده این رهزنان که دیگران او را انور خان صدا مینمودند رو گردانیده گفت:

برادر من شکر الحمد الله مسلمان هستم و کلمهٔ مبارک را میخوانم به لحاظ خدا دخترم چند ماه قبل نامزد شده ـ من چطور میتوانم آنرا بشما بدهم.

پیر مرد هنوز کلامش‌را به آخر نرسانده بود که لگد یکنفر دیگر از این جانیان بر سرو رویش حواله گردید و مرد هشتادو پنج ساله به زمین افتید وبیهوش شد. همه به طرف خانه او به سراغ دختر باغیرتش پری شتافتند. پری، که دیگر فضای زندگی رابر خود وخانواده اش تنگ میدید با نزدیک شدن این رهزنان به آنها اخطار داد که به او نزدیک نشوند. یکی از آنان صدا کرده گفت ما به تو لباس عروسی آورده ایم و ترا به فلان ... برادر«مجاهد» نکاح میکنیم. پری‌از شنیدن این کلمات عصبانی شده فریاد زد که وای بر شما دشمنان اسلام و انسانیت. شما خوب خبر داریدکه من نامزاد هستم. من با نامزاد خود عروسی میکنم نه با این رهزنی که شما با خودآورده اید. این دزد بدنام‌وآدمکش را همه کس در دانگام و اسمار بخوبی میشناسند. انور خان سرکرده گروپ ضد انقلابیون فرمان داد که اگر حاضر نمیشود او را بزور از خانه اش بیرون بکشند. پری نامراد که قلبش‌درخون گرم افغانیت می تپید باشنیدن این جملات سلاحی را که از پدرش در خانه بود گرفت‌و به مقابل این دزدان نامسلمان به مبارزه‌برخاست‌تا از شرف و ناموسش قاطعانه دفاع کند وتا آخرین لحظه حیات چنان کرد این دختر با شهامت به تنهایی‌از خود در مقابل اشرار جنایت کار دفاع نمود تا آنکه چند نفر آنها بروی هجوم بردند ولی پری در آخرین لحظات حیات در حالیکه بر سروریش انورو یاران نامردش که با این دوشیزه باغیرت درکش وگیر بودند تف انداخته گفت:

من دختر مسلمان هستم.

من به مرگ خود خوش هستم و نه به‌یک لحظهٔ زندگی باشما رهزنان ....

سخنان پری هنوز تمام نشده بود که صدای آخرین مرمی بلند شد. این دشمنان انسانیت سینهٔ پری را به هدف گلوله قرار داده جسد بیجان‌اورا‌کشان کشان به دریای خروشان کنر انداختند.

فردای آن روز سربازان غند کوهی اسمار جسد او را از دریا بیرون کشیدند و سوگند خوردند که تاآخرین بقایای این نوکران‌زرخرید ارتجاع و امپریالیزم را نابود نسازند آرام نگیرند.

چند روز بعد این مدافعین صدیق آرمان های انقلاب و مردم با از خودگذری و قربانی برلانه های این روباه صفتان بی وطن مردانه‌وار حمله ورشده بعد از گذشت یک روز آنها را سرکوب نمودند.

«تورن عیسی روستایی»

دشمن در سراشیب

مادامیکه از فروافتیدن مرگبار دشمن در سراشیب سقوط و اضمحلال بحث می کنیم، منظور همه و غبار شکستی است که تمامت‌ابعاد مداخلهٔ ضد انقلاب و طن ما را در خود فشرده و همه انواع برون رفت وبرآمد از این سراشیب را ازدست «امکان» شان بیرون کشیده است.

هر چند پیوستگی بی چون وچرای ضد انقلاب افغانستان به مناسبات اجتماعی، اقتصادی کهنی که روزگارش به سرآمده و در دیالکتیک تکامل خودداشت لغو میشد، عامل اساسی به سراشیب افتیدن ضد انقلاب است، ولی نفی خط سازش و «مدارا» با ضد انقلاب که در زمان امین به وجود آمده و قویا تقویت شده بود، و خوشبختانه با پیروزی ششم جدی عملا در هم شکسته شد، از نظر امیدواری‌های سیاسی‌نیز دشمن را به کابوس عجیبی نشاندند.

پاسخ قاطع و شکننده، نیروهای انقلاب افغانستان در مقابله علیه دشمن، بعد از ششم جدی، تمام امیدواری دشمن ومدافعین بین‌المللی آن رابرای هرنوع سازش که در زمان امین «مزمزه» کرده خواب آینده اش را نیز که‌گاه هر چند با اعتماد، نمی‌دیدند،دشمن‌را قویا به وسواس انداخت و هم ازین رو بود که امپریالیزم با تمام نیرو روند مداخلات خود را سریع نمود. اما سیاست روشن و اصولی حزب ما در برخورد با مسایل حاد انقلاب کشور و همچنان تلاش‌هایی که در جهت‌بهبود حیات مردم این سر زمین هم در پلان‌ها و هم در مجموع کادرهای فعالیت عملی انقلاب روی دست گرفته شد حقیقت انقلاب افغانستان را چنان نمایان ساخت که در روشنایی آن چهره کریه‌و مکار دشمن بوضوح برای مردم ما قابل درک گردید.

دشمن، در نتیجه ازمناطق مرکزی وولایات که از مرزهای پاکستان دورتربوده خود را به سر حدات عقب کشید، زیرا دیگر در آنجاها عقب گاهی برای‌فرار نداشتند و به خصوص که مردمان زحمتکش دیگر با شناسایی ماهیت آن‌ها، نه تنها کمک نمی کردند، بلکه سلاح به دست به نبرد علیه دشمن شتافتند. از ینرو ضد انقلاب در مناطقی مانندکران ومنجان، انجمن، پنجشیر ونقاط نظیر که امکان عقب نشینی به آنسوی سرحددر پاکستان را دارند به «استحکامات» و تکمیل وتقویت باند‌ها دست یازیدند ومدتی به عمل ننگین چپاول وتاراج هم‌میهنان ادامه دادند، تا اینکه مردمان به ستوه آمده از جنایات اشرار به کمک نیروهای‌مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان به آخرین و محکمترین لانه‌های دشمن درین مناطق حمله نموده سنگرهای شان راکه پر از خون و جنایت بود. در هم شکستند.

تنها در اولین روز حملهٔ نیروهای مسلح ورزمندگان راه وطن و انقلاب به لانه‌های اشرار در ولسوالی پنجشیر که آغاز سرکوب قطعی دشمن در مربوطات آن ولسوالی بود، دشمن به انهدام کشیده شد. یکهزارو دو صد و بیست و شش‌میل سلاح مختلف‌النوع امریکایی چینایی و انگلیسی بدست قوای مسلح افتاد، درهمان چند لحظه بعد نبرد روشنی وظلمت‌در حدودهشتادو یک هزارو هفتصد و چهل وهفت عددمرمی، دوصدو شصت و هشت عدد ماین‌های مختلف‌النوع، سی‌و هفت میل‌راکت انداز، سی‌و چار عدد بم‌دستی نه عراده موتر، پنجصدکیلو گرام مواد انفلاقیه نیز بدست قوای مسلح افتیده، بیست‌و هشت دیپوی مهمات‌واعاشه صد میل داشکه و بیست‌میل هاوان نیز بدست آمد.

بسیاری از قوماندانان دشمن دستگیر و عده کثیری از دشمنان که میخواستند مقاومت ورزند، محوونابود گردیدند.

دشمن در انجمن، کران و منجان نیز سرنوشتی‌بهتر ازین بدست نیاورد، دیپوهای مهمات و اسلحه دشمن‌بدست قوای مسلح افتاد و مقدار زیادی لاجورد استخراج شده که قرار بود به پاکستان انتقال داده شود به وسیلهٔ نیروهای مسلح واپس ستانده شد.

سرکوب قطعی دشمن‌درین آخرین لانه‌ها، نه تنها دارای اهمیت جدی نظامی بلکه حایز اهمیت فراوان‌سیاسی نیز بوده و دشمن نه تنهااز نظر نظامی اتوریتهٔ خودرا از دست داد بلکه از نظر سیاسی نیز با آنکه رسوا شده بود به رسوایی‌کامل دیگری نیز مواجه شد. تبلیغ رسمی مبنی بر اینکه برخورد نیروهای انقلابی با مردم مناطقی که مدتی لانه دشمن بوده است. خشونت بار خواهد بود. یکبار دیگر نقش بر آب گردید و مردم عملا دیدند که رزمندگان اصیل راه انقلاب کشور، نه تنها با مردم در مجموع حتی تا افراد و اشخاصیکه رضاکارانه نی بل ناچار وبنابه اعمال فشار از جانب دشمن مرتکب اعمال ضدانقلابی و نادرست شده اند، نیز برادرانه، دوستانه و پرعطوفت است. مردم‌عملا دیدند که مدافعین جان برکف وطن و انقلاب هم میهنانی را که‌ناآگاهانه و هم بنابر ستم و فشار، علیه انقلاب سلاح کشیده اند، هنوز وتا هست در چهره همان مردمان‌زحمتکش و پابرهنه گانی می بینند که انقلاب برای نجات آنان از ستم، فقر و گرسنگی و علیه مناسبات کهن آغاز گردید. درست اینجا بود و درست اینجاست که باز چهره مکار دشمن‌برملا میگردد و مردم در هر جایی که هستند چه در کران‌ومنجان چه در پنجشیر، چه درشمال چه در جنوب، چه در شرق و چه در غرب افغانستان انقلابی فرزندان راستین خویش را به آغوش می‌کشند و باز یکدیگر را با عمق شناسایی در می یابند.

آری! آنجا که مردم و انقلاب یکدیگر را در آغوش بگیرند، بر خرابهٔ برج‌و باروی دشمن که از سراشیب تا انهدام ابدی رفته است، درخت همیشه سبز زندگی شکوهمند و نتیجه خواهد زد.

«هود»

مدافعان انقلاب جانبازانه ازدسترنج دهقانان حراست میکنند

قریه اردو خان ولسوالی انجیل ولایت هرات از جمله قرایی است که زحمتکشان در سر سبزی و شادابی آن توجه زیادنموده اند. مزارع خرمن گندم، جو، پخته و پیاز مژده سال پر فیض را می دهد. ولی این را یگان به دست نیامده است، همکاری مردم و بالخاصه جانبازی مدافعین انقلاب، به دشمنان رفاه و آرامش مردم موقع نداد که با حاصل کار و رنج دهقانان این قریه بازی کنند. اعضای گروه مدافعین انقلاب قریه اردو خان راه که به صورت داوطلبانه و بنا بر دعوت اهالی آن ایجاد شده است، خود دهقانان و یا کارگران زراعتی که در فارم‌های دولتی مصروف کشت و کار می باشند، تشکیل داده است.

به گفته حاجی عبد الروف قوماندان‌این‌گروه، گروه‌مدافعین انقلاب قریه اردوخان‌در سرکوبی عناصر ضد انقلاب سهم فعال دارند و نمی گذارند که آن‌ها خانه و کاشانه مردم را ویران ساخته حاصلات زراعتی شان را به غارت ببرند.

اعضای گروه مدافعین آن قریه علاوه بر سرکوبی اشرار در حراست و نگهداشت فارم‌های زراعتی نیز سهم فعال دارند، چنانچه هم اکنون بسیاری از دهقانان در بدل معاش ماهوار در فارم‌های زراعتی دولتی کار می کنند.

اعضای گروه مدافعین انقلاب قریه اردو خان علاوه بر تامین امنیت خود، امنیت و آرامش قرای رحیم آباد، رباط، ویسس، جمیل وادی قلعه عظیم خان، عبد الاباد، زمان آباد، قیضان، جویچه، و قسمتی از قریه جکان را نیز بدوش دارند.

آنان تا کنون ۳۷ نفر از جوانان قریه خود ودر حدود ۴۵۰ تن از جوانان قرا و قصبات دیگر را که از نظر سن و سال آماده خدمت عسکری بودند به خدمت مقدس سربازی معرفی نموده اند.

نور احمد معاون گروه مدافعین انقلاب قریه اردوخان در مورد تخریبات اشرار گفت:

« چندی قبل ضد انقلاب می خواست فارم دولتی را حریق کند که در اثر پیکار رزمجویانه گروه مدافعین انقلاب قریه، ما به کمک و یاری قوای مسلح سرکوب و نابود گردیدند از نزد آن ها مقدار زیاد سلاح مختلف النوع به دست آمد.

وی افزود: « ما به تعهد خود تاکید می ورزیم که تا آخرین لحظه حیات از انقلاب، مردم و وطن خود دفاع نموده در راه حق و عدالت تا پای جان برزمیم.»



اینها سپاهیان انقلاب‌اند، سپاهیان‌روشنی ونور، که الفهای فتح را در مینوردند.

از گفتار تا کردار

مادامیکه منطق دشمن برای بیانی وتوجیهی در زمینهٔ برحق جلوه دادن مناسبات اجتماعی، اقتصادی ظالمانه دیروزین، که بوسیله انقلاب در هم شکسته شده میکشد، به شیوه «پدران انگلیسی» خود شعار به اصطلاح دفاع از دین اسلام را مد میکند، وبعد در پناه آن، چنانچه حقایق گواه‌اند، برنعش کودکان، جوانان زنان و مردان که تیغ بر گلوگاه نشانده شده، به «بست» می نشینند.

این «بست» نشین های پست بر اجساد شهیدان‌راه وطن و راه انقلاب، روزی که‌زنان‌و دختران وبرادران هموطن ما را دریکی ازولسوالی های ولایت غور به اسارت برده پیش چشم شوهران در بندشان، که در کمیته های ضد انقلاب اسیر بودند، تهدید به تجاوز نموده عفت وپاکیزگی آنان را به‌بازی گرفتند، مگر پوزخندی به دین اسلام نبود و بیان اینکه، ای اسلام، ما «مجاهدین»! چگونه‌تورا به‌بازی‌گرفته‌ایم؟

اختطاف دو دختر سیزده وچهارده ساله در قرای‌مربوط غور و هرات و نشاندن گلوله برسینهٔ کسانیکه خواستند ازین دو دختردفاع کنند، تاراج و چپاول خانهٔ ایشان، قتل غلام سرور آمر نرسنگ صحت عامه ولایت هرات، قتل فجیع وناجوانمردانه «اقدس» یک تن از معلمان آن ولایت، قتل تکاندهنده یکی از معلمات در ولایت بغلان، سوزاندن خرمن های گندم در تخار، که صدها شکم گرسنه منتظر بهره‌برداری از آن بود، به آتش کشیدن موتر های حامل افراد غیر بادارا ن امریکایی آنهاو نظامی میان کابل، جلال‌آباد که همه و همه در تحت نام دفاع از اسلام صورت گرفته، در واقع محکمترین ضربه ایست که یک دشمن واقعی در لباس «دوست، مجاهد»! میتواند بر تمامیت ارزش های اسلامی‌فرودبیاورد.

دریکی از قریه های‌پرنفوس ولایت کنر هنگامیکه این به اصطلاح مجاهدین، پانزده نفر را به جرم نرفتن در جبهات اشرار مقتول و مجروح نمودند و نیز زمانیکه در «ترینکوت» شانزده نفر از ساکنین محل را به گلوله بستند و خانه هایشان را تاراج نمودند، از کدام مرجع شرعی و دینی و از کدام حکم آسمانی سند داشتند؟ مگر نه این بود که همهٔ این جنایات به دستور مراجع ظاهراًاسلامی وابسته به امپریالیزم صورت‌گرفت؟ این جنایت کاران، اعضای تیم‌هاکی کشور را به جرم سفر به اتحاد شوروی در جرخشک بغلان فجیعانه به قتل رسانده بودند، و لی مادامیکه دختر سوگلی آقای صبغت الله مجددی به‌آغوش «ریگن» بنا گوشش می ساید، باز توجیهی خواهند داشت؟ مگر «پیرها» و «مراد» های دروغین نظیر مجددی‌وامثالهم که‌روزگاری در پناه پابوسی تاج و تخت رژیم سلطنتی ظاهرشاه‌از همدینی گری هاو هم آئینی گری ها،سپری ساخته از موقفی به نام مراجع« مراد »و «امید» گمراهانی رابه آغوش میکشیدند جز پیوند منافعی باامپریالیسم وجه دیگری با آن دارند؟ وجه مشترک این آقای مجاهد، که از دیدن انگشتان برهنهٔ دختری و زنی بنام اینکه آقا «ستر عورت» رعایت‌نگردیده! سرو صدا براه می اندازد و نوکرانش عده‌یی از دختران و زنان‌وطن ما را به جرم چادر نپوشیدن به‌گلوله ها‌بربسته اند، با آقای ریگن چیست که دختر خود را بی محابا به دامن او می‌اندازد؟

ای هموطن، آیا هیچ گاه اسلام راستین را با چنین کردارها دیده‌یی؟ آیا دین اسلام گفته است که کسی را که یکبار صادقانه «کلمه» شهادت‌خوانده‌است. بتوانی کشت؟

«آذر برزین»

اخبار خارجی: واقعیت ها. حوادث

اسرائیل از کمک های انسانی به مردم غیر نظامی لبنان جلوگیری میکند

شورای امنیت سازمان ملل متحد شب ۲۹ جوزا به اتفاق آراء به تصویب رسانید که ازطرفین متخاصم در زد و خورد های لبنان تقاضا گردد تا حقوق سکنه غیر نظامی را در لبنان محترم شمرده و موقع رابرای ارائه کمک های بشری فراهم نمایند.

این پیشنهاد از طرف نماینده فرانسه به شورای امنیت ارائه شده بود.

شورای امنیت ملل متحد یک بار دیگر نگرانی عمیق خود رانسبت به خطری که توسط جنایات اسرائیل تجاوزگر متوجه مردم لبنان و فلسطین گردیده اظهارنموده است.

در جلسه اضطراری شورای امنیت ملل متحد فیصله نامه ای به تصویب رسیده که در آن احترام به حقوق مردم، خودداری ازهرنوع اعمال تحریک آمیز و اتخاذ تدابیر برای کاهش خطر برای مردم تقاضا گردیده است.

درین فیصله نامه مستقیماً تجاوزات اسرائیل که به حمایت وسیع واشنگتن بر ضد لبنان صورت گرفته و هنوز کشتار انتقامجویانه اسرائیل در قلمرو اشغال شدهٔ لبنان ادامه دارد تقبیح گردیده واز اینکه اسرائیل از هر راه ممکنه رفت و آمد نمایندگان سازمان های بین المللی را جهت کمک برای مردم فلسطین و لبنان جلو گیری مینماید بشدت محکوم گردیده است.

(ب)

امریکا به لبنان عسکر می فرستد

الکساندر هیگ وزیر خارجه ایالات متحده امریکا اعتراف کرد که آنکشور مصمم اند عساکر خود را به لبنان در چوکات باصطلاح نیرو های چندین ملتی بفرستد.

طبق نقشه واشنگتن و تل ابیب قرار است این عساکر در جنوب لبنان که در حال حاضر توسط عساکر اسرائیلی اشغال گردیده متمرکز گردند.

هیگ گفت که ریگن رئیس جمهور امریکا حاضر است عساکر آنکشور رابرای اجرای وظایف «حفظ صلح» در لبنان اعزام نماید.

رفیق کاسترو ازجهانیان تقاضای تدابیر فوری علیه اسرائیل نمود

رفیق فیدل کاسترو منشی اول حزب کمونست، رئیس شورای دولتی و شورای وزیران کیوبا و رئیس جنبش عدم انسلاک از جامعه جهانی تقاضا نموده تا تدابیر موثری را غرض خاتمه تجاوز اسرائیل علیه لبنان و اخراج فوری و بدون قید و شرط عساکر آن از قلمرو لبنان اتخاذ نمایند.

قرار گزارشات واصله از هاوانا این تقاضا شامل پیامهارسالی کاسترو عنوانی سران دول و حکومات کشور های عضو جنبش عدم انسلاک، سر منشی سازمان ملل متحد، رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت آن سازمان میباشد.

تقاضا نامه حاکیست اسرائیل اشغالگر از ابتدایی ترین نورم های قانون بین الدول وفیصله نامه های سازمان ملل متحد و اعتراضات شدید جهان چشمپوشی مینماید.

در تقاضا نامه آمده سازمان ملل متحد باید به تهاجم وحشیانه خاتمه بخشد تا صلح در شرقمیانه اعاده گردد.

پیام شخصیت های علمی وفرهنگی اتحادشوروی بمناسبت فاجعهٔ لبنان

پیام آتی را دانشمندان، نویسندگان و شخصیت های فرهنگی واجتماعی اتحاد شوروی بمناسبت تهاجم اخیر اسرائیل بر خاک لبنان صادر نموده اند

در سر زمین لبنان تراژیدی خونینی بوقوع پیوسته است، متجاوزین اسرائیل با تصرف قریب بهیک سوم حصه خاک کشور مستقل لبنان به صورت آشکار دست به قتل عام خلق های لبنان و فلسطین زده اند، تاکنون ده ها هزار انسان قربانی این قتل عام گردیده اند.

اشغالگران بهکسی رحم نمی کنند، نه به پیر مردان، نه زنان و نه به اطفال. آنها سعی دارند لبنانی ها و فلسطینی ها را از حق اصلی و اساسی انسانی یعنی زندگی کردن محروم سازند. شهر های باستانی طایر، سعیده و نبطیه به خرابه ها مبدل شده اند. نظامیان اسرائیلی با بیرحمی و شقاوت و حشیانه آثار گرانبهای فرهنگی این ثروت همگانی را از روی زمین محو مینمایند. اشغالگران در سر زمین لبنان آنگونه بیرحمانه وبیشرمانه عمل می کنند که بزرگترین جنایات در برابر بشریت رابخاطر می آورد.

آنچه بوقوع پیوسته نابخشودنی است، لیکن تراژیدی لبنان ادامه دارد. عساکراشغالگراسرائیل برای حمله بر پایتخت کشور یعنی بیروت این شهر پر جمعیت که درین روز هاصدها هزار فراری دیگر نیز به انجا روی آورده اند، آمادگی می گیرند.

دشوار ووحشت آور است حتی اگر تصور گردد که چه تعداد دیگر انسان های بیگناه را اشغالگران قصد دارند بدیار مرگ سوق دهند.

حمکرانان اسرائیل مسوولیت بس سنگینی را بعهده گرفته اند، لاکن دست مدافعین امریکایی اسرائیل که آنرا با سلاح مجهز ساخته و سیاست ماجراجویانهٔ اسرائیل را نا دیده می انگارد، نیز به خون لبنانی ها و فلسطینی ها آلوده است.

ما از همه رجال و شخصیت های علمی و فرهنگی سراسر جهان، همهٔ انسان های با حسن نیت و پا بند به اهداف بشر دوستی، صلح و آزادی دعوت مینماییم تا صدای خویش را بخاطر دفاع از قربانیان تجاوز اسرائیل بر لبنان بلند نموده و بطور قاطعانه خواستار قطع فوری مداخله و خروج بدون قید و شرط اشغالگران اسرائیل از لبنان گردند.

ما از سازمان ملل متحد، شخصیت های دولتی و سیاسی تمام کشور های جهان میخواهیم تا هر آنچه را که مربوط به ایشان میگردد انجام دهند تا خونریزی در لبنان متوقف گردد. نباید گذاشت جنایات تازه ای رخ دهد.

این پیام توسط الکساندر یوف رئیس اکادمی علوم اتحاد شوروی چنگیز ایتماتوف، شولوخوف، نویسندگان شهیر، باندرچوک سینماتوگرافیت مشهور اتحاد شوروی و عدهٔ زیادی از اشخاص علمی و فرهنگی اتحاد شوروی بامضاء رسیده است.

(ب)

تحریم اجلاس ملل متحد هنگام سخنرانی بیگین

نمایندگان رسمی ده ها کشور جهان زمانی تالار دومین جلسه خاص سازمان ملل متحد در باره خلع سلاح را ترک گفتند که بیگن صدراعظم اسرائیل بیانیهٔ خود راایراد میکرد.

نمایندگان کشور های عربی افریقایی و آسیایی در اعتراض علیه حمله وحشیانه اسرائیل بر لبنان از تالار ملل متحد خارج شدند.

همچنان به گزارش تاس از نیویارک نمایندگان جامعه سوسیالیستی نیز از استماع بیانات تحریک آمیز اسرائیل امتناع ورزیدند.

(ب)

مخالفت المان غرب با یک تصمیم دیگر ادارهٔ ریگن

وزیر اقتصاد جمهوریت اتحادی آلمان اعلام داشت که تصمیم تبعیضی ریگن رئیس جمهور امریکا که در قدم اول متوجه مخالفت باتطبیق معاملات پایپ های گاز بین اتحاد شوروی و آلمان غرب میباشد عواقب و خیمی ببار خواهد آورد.

ریگن اخیراً تصمیم گرفته محدودیت ها را علیه ارسال آلات امریکایی مخصوص پایپ لاین گاز برای اتحاد شوروی حفظ وتشدید بخشد.

این تصمیم متوجه اروپای غربی نیز می گردد و منجر به ایجاد مشکلاتی درساحه استخدام کارگران خواهد شد.

طبق یک خبر دیگر نطاق حکومت جمهوری اتحادی آلمان نیز با صدور بیانیه یی این تصمیم ادارهٔ ریگن را محکوم کرد.

مردی درحال بالاکردن اطفال زخمی این قربانیان و حشیگری اسرائیل درلبنان

باید به قتل عام در لبنان خاتمه داده شود

کریم مروه عضو رهبری جنبش ملی لبنان و عضو بیروی سیاسی حزب کمونیست لبنان در جریان سفری به پاریس به آژانس فرانس پرس چنین اعلام نمود:

« کسانیکه قانون نظامی گرانهٔ اسرائیل را متحمل میگردند، هیچگاه به آتش بس بیگین باور نکردند. برای ما هیچ گونه شک و شبه وجود نداشت که اسرائیل اهداف خویش را تعقیب خواهد نمود، اهدافی که بارها توسط رهبران اسرائیل اعلام گردیده وعبارت میباشد از: نابود ساختن سازمان آزادیبخش فلسطین، تمام بخش های جنبش ملی لبنان و درنهایت خودلبنان.

اسرائیلی ها اهالی ملکی راوحشیانه قتل مینمایند، ده ها هزار مرد، زن وطفل را کشته و یازخمی می سازند، وباعث فرار صد ها هزار نفر از شر بمباردمان ها می شوند. قراء و دهکده های کاملی را به خاکستر بدل ساخته اند. شهر های چون تیر، نبتیه و سیدا توسط بمباردمان ها که شبوروز ادامه می یابد، تقریباً ویران شده اند. پایتخت ما بیروت از چندین روز به اینطرف تحت حملات پیهم زمینی، هوایی و بحری قرار دارد.

من به نمایندگی از جنبش ملی لبنان رسماً اعلام میدارم که ما در مقابل تجاوزات مداوم اسرائیل سلاح را به زمین نخواهیم گذاشت. در همکاری نزدیک بانیرو های سازمان آزادیبخش فلسطین و نیرو های ملیشای سازمان امال، مادر حال حاضر به مقاومت سرسخت به مقابل حملات اسرائیل در هرجاییکه صورت می گیرد، خصوصاً درنواحی بیروت، سیدا، تیر، نبتیه، قراء شو و در جنوب بکا، ادامه میدهیم. مبارزان غیورما اکثراً باسلاح جارحه، تن به تن می جنگند.

جهان متمدن نباید بگذاردتابربریت خلق های لبنان و فلسطین را نابود سازد. من به نمایندگی از جنبش ملی لبنان از نیروهای دموکراتیک، از تمام حکومات، جداً می خواهم تا بدون معطلی اقدام نموده و به این قتل عام خاتمه بخشند.

(ح.ا.ث)

تظاهرات ودستگیری هادرلندی کوتل

به ادامه تظاهرات احتجاجیه علیه حکومت نظامی پاکستان نسبت به قطع آب و برق از طرف رژیم نظامی به محلات مسکونی قبایل پشتون در لندی کوتل و چند منطقه دیگر قبایلی، مردم لندی کوتل به تاریخ ۲۹ جوزا گردهمایی بزرگی ترتیب دادند.

بر اساس گزارشات واصله از آنطرف سرحد، نمایندگان قبایل افریدی و شینوار طی سخنرانی هایشان درین گردهمایی اقدامات خصمانه رژیم اسلام آباد علیه قبایل پشتون را جداً تقبیح نموده تقاضا کردند. که جریان آب و برق به مناطق مذکور بلا فاصله اعاده گردد آنها همچنان آزادی فوری شربت خان افریدی و گل حمید شنواری را که اخیراً از طرف مقامات نظامی پاکستان توقیف شده اند مطالبه کردند.

درین میتنگ تعداد زیادی از محصلین دانشگاه لندی کوتل شرکت داشتند.

شرکت کنندگان در پایان مارش وسیعی را براه انداخته و شعار های ضد رژیم اسلام آباد میدادند.

اطلاعات واصله حاکیست مقامات نظامی چند تن از شرکت کنندگان وسازماندهندگان این میتنگ را که در آن جمله ارباب طاهر رئیس دانشگاه لندی کوتل و شش نفر محصل آن دانشگاه و همچنان محمد علی شنواری شوکت علی افریدی، جهان زیبا افریدی و شاه محمود افریدی نیز شامل میباشد توقیف نموده و به زندان عقیل باره انتقال دادند.

یک دیپوی مهمات اشرار درباجور منفجرشد

طبق گزارش واصله اخیراً در یکی از عمارات بزرگ دولتی در نزدیکی یک کمپ نظامی پاکستان در باجور انفجار شدیدی بوقوع پیوست.

در محلی که این انفجار صورت گرفت یک دیپوی مهمات و مواد تخریبی عناصر ضد انقلاب افغانستان که از طرف رژیم نظامی پاکستان اعمار شده بود نیز وجود داشت.

در اثر انفجار بر علاوه آنکه دیپوی متذکره منفجر شده و بکلی از بین رفت یک مقدار مواد خوراکه که در جوار آنجا ذخیره شده بود نیزاز بین رفت و به عمارت خساره شدید وارد گردید.

در گزارش آمده است که بعد ازین انفجار مامورین و محافظین عمارت مذکور از طرف پولیس پاکستان دستگیر و تحت شکنجه های شدیدی قرار گرفتند و بر رفت و آمد فراریان و ضد انقلاب افغانستان که قبلا آزادانه به آن عمارت صورت میگرفت ممانعت شدیدایجاد شده است.

شیر باز خان مزاری دستگیر شد

به گزارش فرانسپرس شیر باز خان مزاری رهبر حزب دموکراتیک ملی پاکستان اخیراً در میدان هوایی کویته از طرف پولیس نظامی پاکستان دستگیر گردید.

منابع مربوط به حزب دموکراتیک ملی اظهار کردند شیر باز خان مزاری که وارد کویته شده بود در میدان هوایی آن شهر توقیف و دوباره به کراچی برده شد.

بروز اختلافات در باصطلاح شورای مشورتی فدرال رژیم نظامی پاکستان

شورای به اصطلاح مشورتی فدرال پاکستان که اعضای آن از طرف رژیم نظامی انتخاب شده اند از رژیم نظامی خواسته است تا قدرت سیاسی را به حکومت غیر نظامی بسپارد و تغیرات بر فعالیت های سیاسی را در آن کشور لغو نماید.

گزارشات آژانس های خبری بین المللی حاکی است که بین اعضای این شورا در باره سیاست خارجی و داخلی وافزایش مصارف نظامی پاکستان نارضایتی ها واختلافات شدیدی روی داده است.

اعضای به اصطلاح شورای مشورتی که در مورد بودجه سال مالی ۱۹۸۲ – ۱۹۸۳ پاکستان بحث می کردند عدم توانایی رژیم نظامی را در از بین بردن کساد اقتصادی، فساد اداری و لجام زدن بر قرضه های بزرگ کمرشکن خارجی را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند.

نماینده فیصل آباد طی بیانیه یی درین گردهمآیی گفت: رژیم نظامی طی پنجسال گذشته مردم پاکستان را با مشکلات زیاد وهمه جانبه مواجه ساخته و این مسایل روز تا روز شدید تر شده می رود.

یک میراث ۲۵ ساله

کنگره انجمن اتحاد شوروی و جاپان بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد این سازمان روز ۲۹ جوزا در (ساپورو) گشایش یافت.

دو صدو پنجاه هیات نمایندگی از قسمتهای مختلف جاپان که درین کنگره آمده اند نتایج فعالیت انجمن را در بیست و پنج سال اخیر ارزیابی نموده ودر موردپروگرام عملیاتی آینده مباحثه و فیصله های بعمل آوردند.

این انجمن که در جون سال ۱۹۵۷ تاسیس گردیده منحیث میراث عنعنوی سازمان های جاپان دردوره جنگ جهانی دوم بطرفداری انکشاف دوستی وتفاهم متقابل با اتحاد شوروی باقی مانده است.

(پ)

دست خونین امریکا در فجایع فالکلند ولبنان

تصرف پورت ستانلی و موفقیت قسمی جنگی بریتانیا نتیجه کمک ایالات متحده امریکا و کشور های جامعهٔ اقتصادی اروپا و پیمان اتلانتیک شمالی میباشد.

در مکتوب نمایندهٔ دایمی ارژانتین در ملل متحد که بحیث سند رسمی شورای امنیت توزیع شده آمده است که امریکا درین جنگ بریتانیا را همه جانبه کمک مینمود.

در مکتوب متذکره این حقیقت خاطر نشان گردیده که جزایر فالکلند توسط تجاوز گران بحیث عرصه آزمایش انواع جدید اسلحه مورد استفاده قرار گرفت.

هفته نامه تریبیون چاپ لندن نوشته است جنگ جزایر فالکلند برای انگلستان یک تراژیدی میباشد.

دراین جنگ انگلستان در حدود یک هزار نفر خود را از دست داده است.

تریبیون نوشته آنهائیکه زیر ماسک دروغین در مورد اصول دموکراسی و آزادی سخن می زنند، آنگونه خونریزی ها، را به راه می اندازند.

طبق یک گزارش دیگر: حکومت انگلستان تصمیم دارد جزایر فالکلند را بیک پایگاه نظامی خود در جنوب اتلانتیک بر گرداند. این مطلب را جان نات وزیر دفاع انگلستان طی مصاحبه یی با بی.بی. سی اظهار داشته است.

از سوی دیگر: روز نامه واشنگتن پست اعتراف کرد که عساکر اسرائیل علیه فلسطینی ها درلبنان از بم های امریکایی کار گرفته که دارای قدرت تخریبی زیادی می باشد.

روز نامه نوشته که حکومت ریگن بیست و دو هزار عدد از این نوع بم را برای اسرائیل تهیه کرده است.

قسمت اعظم قربانی های تجاوزات اسرائیل در لبنان افراد ملکی میباشند.

زنان و اطفال قسمت اعظم تلفات جانی و مجروحین، ناشی از این تجاوزات را تشکیل می دهند.

(پ)



فدراسیون جهانی دموکراتیک جوانان گردهم‌آیی عظیم ضد امپریالیستی را بتاریخ ۷ جون در پراگ براه انداخت. اجتماع کنندگان ضمن تقبیح جنایات امپریالیزم جهانی چنین شعار های را حمل میکردند «ما جنگ نمیخواهیم» «پرشنگ ۲ وکروز را نمی خواهیم»، «ما از مبارزات آزادیخواهی مردم السلوا دور پشتیبانی میکنیم» «نابودباد خونتا»

مردم قهرمان کوریا خواهان یکپارچگی دوبارهٔ کشورشان هستند

سی و شش سال قبل کشور آزاد و مستقل کوریا به اثر تجاوز نیرو های نظامی ایالات متحده امریکا وبا اشغال بخش جنوب این کشور، به کوریای شمالی و کوریای جنوبی تقسیم گردید. بااین که زحمتکشان کوریا چه در بخش جنوب و چه در شمال کوریا همواره خواهان وحدت دوباره کشورشان بوده‌اند. این خواست بر حق آن ها سی سال قبل هم در موافقتنامه «پانمونجام» هم به روشنی منعکس گردید. اما امپریالیزم امریکا به خاطر تحکیم و گسترش مواضع نظامی خود در منطقه و جهان هرگز حاضر نشده است بخواست مردم کوریا تن در دهد. ایالات متحده امریکا همواره ریاکارانه تلاش ورزیده با جعل و قلب حقایق بر خواست مردم کوریا مبنی بر وحدت دوباره کوریا بر چسپ دیگری بزند وچنین وانمود سازد که گویا مردم کوریا جنوبی درصدد وحدت دوباره کشور نیستند، ولی حقیقت اینست که ایالات متحده امریکا از بلند گوهای رژیم دست نشانده خود در کوریا جنوبی حرف میزند، نه از زبان توده های وسیع مردم کوریا.

مذاکراتیکه بین نمایندگان حکومات هر دو بخش کوریا در اگست ۱۹۷۱ صورت گرفت و زمینه های بالقوه را برای ادامه مذاکرات آینده در ارتباط با وحدت دوباره کشور فراهم آورد از طرف طراحان سیاست تجاوزکارانه و نظامیگرانه ایالات متحده امریکا نقب گذاری شد. گذشته از آن فیصله نامه اسامبله عمومی ملل متحد که در آن عقب نشینی نیرو های خارجی از کوریای جنوبی و تعویض موافقتنامه آتش بس به موافقتنامه صلح اکیداً تقاضا گردیده بود باز هم به اثر ادامه تحریکات نظامی ایالات متحده امریکا عملی نگردید. باید خاطر نشان ساخت هر بار یکه حزب و دولت کوریای شمالی صادقانه سعی ورزیده است زمینه های تماس بین نمایندگان هردوبخش کشور را به خاطر تفاهم دوجانبه و حل قضایای مربوط به وحدت کوریا و در نهایت امر تأمین وحدت دو باره کشور تدارک نمایند، ایالات متحده امریکا در تبانی با هژمونیزم چین و رژیم دست نشانده کوریای جنوبی این تلاش ها را عقیم گذارده خواست مردم هر دو بخش کوریا را نادیده گرفته است.

همین اکنون جزو تامها و قطعات نظامی ایالات متحده که تعداد آن ها در سال ۱۹۸۰ به بیش از سی ویك هزار نفر میرسید با سلاح و تخنیك مدرن محاربوی در کوریای جنوبی مستقر می باشد و با استفاده ناجایز از همین نیروی اشغالگر است که تظاهرات و اعتصابات زحمتکشان بخش جنوب کشور با خاك و خون یکسان می گردد و اما باید خاطر نشان گردد زمان و ظیفه تامین وحدت هر دو بخش کشور را بدوش مردم مبارز کوریا گذاشته است و با اطمینان کامل این آرزوی شریفانه و انسانی آن ها در آینده جامه عمل خواهد پوشید و نیرو های اشغالگر امپریالیزم ایالات متحده امریکا همان طوریکه در ویتنام قهرمان بزانو درآمد در کوریا هم با شکست فاحشی مواجه خواهد شد چنانکه به اصطلاح خط مرزی بین ویتنام شمالی و جنوبی نتوانست مانعی در راه تحقق اراده پولادین مردم قهرمان ویتنام ایجاد کند «خط مرزی» بین کوریای شمالی و جنوبی هم نمی توانند از وحدت اراده و عمل مردم قهرمان کوریا جلوگیری بعمل آورد.

«سپین»

پشتیبانی حزب کمونیست اسرائیل از خلق فلسطین

سخنگوی حزب کمونیست اسرائیل در تل ابیب بار دیگر تجاوز اسرائیل به لبنان را تقبیح نموده و خاطر نشان ساخت که مقاومت نیرو های فلسطینی و نیرو های مترقی لبنان مانع آن گردیده تا اردوی اسرائیل به اهداف شوم خویش دست یابد. ولی در نتیجه این جنگ هزاران نفر از جمله افراد ملکی، زنان، کودکان، مهاجرین کشته و یا زخمی گردیده و خسارات مالی هنگفتی وارد گردیده است.

سخنگوی حزب کمونیست اسرائیل گفت: خلق عرب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین به مبارزه بر حق خود به خاطر آزادی و استقلال و ایجاد دولت مستقل ادامه خواهند داد. وی اضافه نمود: اسرائیل باید وادار به تطبیق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد ساخته شود، باید نیرو های خویش را از خاك لبنان بیرون بکشد.

دست آوردهای انقلاب ایتوپیا

هفت سال قبل در سر زمین کهن سال ایتوپیا، انقلابی به پیروزی رسید که زندگی مردم آنکشور را از ریشه و بن تغییر داده در نتیجه انقلاب نظام فیودالی و ماقبل فیودالی، امپراطوری «هیل السلاسی اول» سقوط کرد، وحکومت انقلابی در آنکشور مستقر گردید.

در ۲۱ اپریل ۱۹۷۶ شورای موقت نظامی اعلامیهٔ پخش ودر آن پروگرام انقلاب ملی دموکراتیک را اعلام نمود از آن تاریخ تا امروز با وجود دسیسه ها و توطئه های پیهم ارتجاع داخلی وامپریالیزم بین المللی این پروگرام موفقانه در عمل تطبیق گردیده، که از آنجمله میتوان ازملی اعلام ساختن بانك ها، بیمه های اجتماعی، زمین های داخل شهر، خانه های متعلق به خانواده سلطنتی، تحدید سکتور خصوصی در بخش صنایع و تجارت خارجی را نام برد. درنتیجه کارو پیکار انقلابی مردم این‌کشور تحت رهبری شورای موقت انقلابی، در اواخر سال ۱۹۷۸ سهم دولت در موسسات صنعتی این کشور از ۴۰ در صد تا ۸۵ در صد بالا برده شد و فعلا در این موسسات اضافه از ۹۳ در صد کارگران ایتوپیا مصروف کار بوده و موسسات مذکور ۹۲ در صد محصولات صنعتی آنکشور را تولید مینمایند.

در سال ۱۹۷۸ اولین پلان یك ساله انکشاف اقتصادی ایتوپیا طرح ودر همین سال مورد تطبیق قرار گرفت. مرحلهٔ دوم این پلان در سال (۱۹۸۰-۱۹۸۱) بود که در اثر تطبیق موفقانهٔ آن سطح تولیدات خالص صنعتی آنکشور ۶ر۵ در صد افزایش یافته ودر همین سال بیش از ۶ر۵ میلیون تن غله تولید گردید. مجموعاً دولت در اثر تطبیق این پلان بیش از ۱ر۲ میلیارد «بیرو» (صد بیرو = ۱ر۶۶ دالر) مفاد خالص بدست آورد.

بعد از انقلاب در ایتوپیا ۱۳ هزار کیلو متر سرك جدید اعمار شده که این رقم دو برابر سرك هاییست که در مدت ۲۰ سال قبل‌از انقلاب در آنکشور اعمار شده بود. سطح انفلاسیون از ۱۸ر۶ درصددرسال ۱۹۷۸ به ۱۰ر۴ درصد درسال ۱۹۸۰ کاهش یافت.

یکی از وظایف عمدهٔ انقلاب ایتوپیا حل دموکراتیک ریشه یی مسألهٔ ارضی درآنکشور میباشد. اولین مرحلهٔ اصلاحات ارضی در ایتوپیا در ماه مارچ ودسمبر ۱۹۷۵ آغازگردید.

کشور جوان ایتوپیا با استفاده از تجارب سایر کشور ها موفقانه این پلان را تطبیق کرد که دراثر آن‌میلیونها دهقان بی زمین این‌کشور مالك زمین گردیدند. مناسبات فرتوت فیودالی در دهات ملغو و تغییرات انقلابی در دهات رونما شدند.

در ماه می ۱۹۷۹ در این کشور وزارت فارمهای دولتی تاسیس شدتا اواخر سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۶۱ هزار هکتار زمین در اختیار این وزارت قرار داده شد که از آنجمله ۲۲٫۵ هزار هکتار آن زمین های قابل زرع بود وزارت مذکور در همین سال پروژه یی را رویدست گرفت که با تکمیل آن بیش از یك میلیون هکتار زمین تحت آبیاری آمد.

در سال ۱۹۷۶ شورای موقت نظامی فرمان تاسیس کوپراتیف های زراعتی را صادر نمود که بلافاصله در این کشور با وجود موجودیت مناسبات عقب ماندهٔ فیودالی در دهات وسایر پرابلم ها ۸۳۷ کوپراتیف زراعتی تاسیس شد. فعلا در این کشور بیش از سه هزار کوپراتیف استهلاکی، تعاونی و زراعتی موجود میباشد.

از دستاوردهای مهم دیگر انقلاب ایتوپیا، موفقیت های آنکشور در مبارزه با بیسوادی است. در جولای ۱۹۷۹ در کورس های سواد آموزی این کشور ده میلیون نفر شامل بودند در اثر این مبارزه تعداد بیسوادان که در شروع انقلاب ۹۳ در صد بود، فعلا به ۶۵ درصد کاهش یافته است. این موفقیت بزرگ مردم ایتوپیا مورد تقدیر یونسکو قرار گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب در ایتوپیا تغییرات مهمی در تمام ساحات زندگی مردم رونما شد. درمعاش اکثریت کارگران این کشور افزایش بعمل آمده، کرایه اپارتمان ها و خانه هابرای کارگران وزحمتکشان کم در آمد پایین آورده شد. در مدت هفت سال انقلاب ایتوپیا درآمد دهقانان این کشور نیزیك افزایش ۲تا ۳ مرتبه رانشان میدهد.

در اوایل انقلاب صرف دو فیصد مردم ایتوپیا از خدمات صحی مجانی برخوردار بودند، ولی فعلا ۲۰ فیصد مردم این کشور از خدمات صحی مجانی مستفید اند.

«زمریالی»

یکی از دست آورد های انقلاب ایتوپیا کاهش بی سوادی از نود وسه در صد به شصت در صد میباشد.

سفربری برای جنگ سرد

لندن

ریگن، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، در جریان سفر چند روزه‌خویش از پایتخت های اروپایی، از لندن نیز بازدید بعمل آورد. وی طی این‌سفر به‌تاریخ ۸جون در ((رویال هال)) لندن (سالون شاهی) به اعضای مجمع کمون ها و مجمع لارد هاسخنرانی نمود. این‌اولین باریست که یك رئیس جمهور خارجی در برابر این مجموع سخنرانی مینماید. امتیازیکه خانم تاچر برای دوست بزرگ خود روا داشته بود.

اگر ریگن‌در جلسه‌ورسای از بیان اهداف واقعی خویش نسبتا خود داری کرده بود، در لندن باچهره واقعی خویش ظاهر گردید.

مسوول قصر سفید سیاست خطرناکی برای امر صلح رادر لندن ارائه نمود. وی غرب رابه ((جهادی‌برای آزادی)) (!) فرا خواند، به اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی حمله برد، که در واقعیت این امر دیگری جز برداشتن در فشن جنگ سرد نمی باشد.

وی اضافه نمود: ((ازاین پس نباید دیگر کم جرات باشیم، از نیروی خویش استفاده نماییم، امیدببخشیم برای جهانیان بگوییم که عصر دیگری نه تنها ممکن، بلکه محتمل است.))

بدین ترتیب ریگن پس از خدشه دار ساختن پروسه دیتانت، حال دیگرجهانیان را به مقابله مستقیم بر می انگیزد. در حالیکه با درگیری چنین مقابله یی کره مادر دهشت انفجارات هسته یی نابود شده میتواند.

((نیویارك تایمز)) در این اواخر موجودیت سندی را افشاء نمود که محتوای آن مخاطره انگیز است. به نوشته نیویارك تایمز این سند که مفکوره واینبرگر مسوول پنتاگون و عمده ترین مشاورین نظامی وملکی ویرا انعکاس میدهد، «جنگ هسته یی» را بمثابه ضرورتی که در آن ایالات متحده حتی در صورت یك تصادم دوامدار، باید قادر به پیروزی بر اتحاد شوروی باشد، قبول مینماید.))

در این سند همچنان از طرح های استفاده نظامی از فضا، ((احیای نیرو های موظف به‌عملیات های‌خاص)) سخن بمیان آمده است.

نیویارك تایمز مینویسد که اگر این جملات را از «لسان خاص پنتاگونی» به زبان عامه ((ترجمه کنیم)) چنین معنی میدهد: «تشکیل کوماندو های چریکی بمنظور تخریب، تروریسم و چیز های نظیر آن.»

جریده می پرسد: ((پس از مطالعه این سند، چگونه شوروی ها خواهند توانست فکر نمایند که زمانی آقای ریگن از کاهش سلاح‌های هستوی و فرو کش تشنج سخن میزند، وی جدی است؟))

آقای ریگن تنها به طرح این اندیشه های شوم اکتفا نمی کند. وی جهان را به مرحله جدیدی از مسابقات تسلیحاتی سوق میدهد و برای این امر مقادیر هنگفتی را مصرف مینماید.

بودجه‌نظامی‌امریکا از ۱۵۰ میلیارد دالر در سال ۱۹۸۰ به ۲۲۲ میلیارد در سال ۱۹۸۲ رسیده و همه ساله افزایش یافته و درسال ۱۹۸۶ به رقم سرسام آور ۳۶۷ میلیارد دالر بالغ‌خواهد گردید.

مسوول قصر طی بیانیه خود گفت که هدف از اعلام ((جهاد)) برای آزادی، طرد «مارکسیزم ـلنینیزم به انبار خاکستر تاریخ» میباشد.

کدام خاکستر؟ شاید منظور از خاکستر فاجعه جنگ هسته یی باشد؟ آقای ریگن ادعای پاسداری ازکدام ((آزادی)) و از کدام «دموکراسی» را مینماید؟از ((دموکراسی)) ایکه امروز یازده ونیم میلیون بیکار که‌از جمله ۳۰ در صد تقریبا هیچ معاش امدادی نیز ندارند و ۴۰ میلیون فقیر در ایالات متحده امریکا وجود دارد؟ یا از «آزادی» ایکه به‌گفته‌یکی‌از سیاه پوستان امریکایی، در زمستان گذشته آنان در مجبوریت ((انتخاب بین‌گرم نمودن خانه یا خوردن نان)) داشتند؟

دید های ریگن در عرصه سیاست خارجی همانا انعکاس آن نظریاتی است‌که وی در کشورش به منصه اجراء گذشته است.

در این روز هاییکه قشون اسرائیلی لبنان را اشغال نموده قراء وشهرهاآن رابه خاك وخون می کشند، در زمانی که کودکان آواره فلسطینی ها و کودکان لبنانی و همچنان پدران و مادران شان، زیر بم ها و گلوله های اسرائیلی فریاد میکشند و یامی میرند، آقای ریگن ازین تجاوز در بیانیه خود سخن حتی یك حرفی هم به خاطر مردم آواره فلسطین که محروم از حق داشتن خاك و دولتی اند، به زبان نمی آورد. بالمقابل‌در حالیکه وی ((اسرائیل را به‌باز گرداندن نیرو هایش به‌خانه))دعوت مینماید، در کنار بیگن قرار گرفته و کشتار عام یك خلق رابا چنین حرف هایی، توجیه مینماید:

((ما همگان باید برای‌نابودی مرض تروریسم کار نماییم، مرضی که در شرق میانه باعث می شود تا جنگ یك تهدید همیشگی‌باشد.))

گویی کرایه نشین قصر سفید، حوادث را از ورای عینکی واژگونه می بینند، وی جنبش‌آزادیبخش فلسطین را ((تروریسم)) و تجاوز اسرائیل را عملی در جهت رفع ((خطر جنگی که شرق میانه را تهدید میکند)) می نامد. این دیگر از انتهای بی‌شرمی هم بیشتر است!

در باره جنگ بر سر جزایر فالکند وی ((این‌جوانانی را که بخاطر داعیه یی بخاطر اندیشه آنکه تجاوز مسلح نباید موفق شود)) می رزمند، توصیف وتمجید نمود. البته ((این جوانان)) منظور از عساکر بریتانیوی است که در جنگ نو استعماری علیه حاکمیت بر حق ارجنتاین به قسمتی از خاکش، می جنگند.

آنچه مربوطبه‌رو بر تو دوبیوسون فاشیست سلوادوری میشود، شخصی که در گذشته سفیر اسبق امریکا در السلوادور وی را ((قاتل مریض)) خوانده بود ولی امروز رئیس اسامبله ملی السلوادور به اصطلاح انتخاب شده است، وی‌دیگر به‌حسن نظر سفیر جدیدی‌که از طرف اداره ریگن تعیین گردیده ((اساساً به یك وطنپرست)) مبدل شده است. چنین است مفهوم و محتوای ((جهادبرای آزادی)) ریگن. وی درنظردارد به دور سیاست خویش عقب‌گراترین نیرو های جهان را بکشاند وآنان را در یك عملیات وسیع تبلیغی که در آن ((سازمانهای خصوصی)) امریکا نیز اشتراك خواهد داشت، باخود همراه‌سازد.

باید به این جریان خطرناك خاتمه بخشید.

ما همگان در این‌امرشریک ایم. باید بخاطر خود، به خاطر کودکان خود و بخاطر جهانی که در آن می زییم و مورد خطر قرار دارد، برای رفع این خطر مبارزه کنیم.

((مسگر))



نمایندگان نظامی امپریالیزم ایالات متحده امریکا بعد از شکست در جنگ کوریا باسرهای افگنده به این کشور برگشتند و به مذاکره تن در دادند.

دانش و فرهنگ

از سه هزار سال پیش:

مکثی بر یک سرود

«از تومی پرسم ای اهورا، چه چیز است سزای آنکس که از برای سلطنت بدکنشی ودروغ پرستی در کاروکوشش است، آن بدکنشی که جز از آزار کردن بستوران وکارگران دهقان، کار دیگری ازاو ساخته نمیشود، هرچند که از دهقان آزار به او نمی[رسد].

هیچیک از شما نباید که به سخنان و حکم دروغ پرست گوش دهد، زیرا که او خان و مان و شهر و ده را دچار احتیاج و فساد سازد، پس باسلاح او را از خودتان برانید.»

«سپنتمدات ـ یسنا ـ ۴۸ قطعه ۸»

این، سرودی ازاوستاست، کتاب زردشت یا زراتشترای بلخی. تعیین قدامت این کتاب دشوار است، معهذا تخمین شده که در حدود یک هزار سال پیش از میلاد بوجود آمده است. درین صورت در مقیاس تمام جهان، تنها سرودهای ویدی که بین یکهزاروپنجصد تا دو هزار و پنجصد سال قبل از میلاد که آنهم قسماً در افغانستان کهن سروده شده و باز در سرزمین هندوستان تکمیل گردیده است و نیز کتاب تورات که یک ونیم هزار سال پیشتر از میلاد در بین بنی اسرائیل موجود بود، از نظر قدامت بر اوستا پیشی دارد.

بنابر معلومات تاریخی، شامل متن خود اوستا، این کتاب در عهد سنگ جدید و آغاز دوره فلزات سوای آهن که همان عهد برونز (برنج) است، در کشور کهنسال ما پدید آمده است.

گرچه، متن اصلی اوستا در دست نیست و احتمالا در جریان تدوین چند باره در چندزبان دیگر آریایی دست خوش تغییراتی شده است معهذا، متنی که بما رسیده بگونه شگفت انگیزی از بلوغ روحی و اوج معنوی نیاکان ما خبر میدهد.

سرودهای اوستا، از زاویه های گوناگونی می تواند و باید تفسیر وبررسی شود. ولی ما درین مختصر صرفا به جنبهٔ حماسی این سرود تماس میگیریم.

این سرود، آنگونه که می بینیم پرسشی است وپاسخی، پرسش و مساله آنست که در برابر «آنکس که از برای سلطنت بدکنشی و دروغ پرستی در کوشش است» چه باید کرد؟ و پاسخ:

نه فقط نباید به سخنان و حکم دروغ پرست گوش داد، بلکه باید با سلاح او را از خود راند.

اهمیت این حماسه، زمانی آشکار میشود که در نظر گیریم این حرف سه هزار سال قبل است و نه امروز ونیز بخاطر بسپریم که دروغ پرست بمثابهٔ هدف مبارزه موجود اثیری ونا مشخص نیست بلکه دقیقا شناختنی است یعنی کسی است که «جز از آزار کردن به ستوران و کارگران دهقان، کار دیگری از او ساخته [نمیشود]».

ازآن دور دست های زمان، به امروز بر گردیم. آیاهمین امروز ما همه، با چنین ملاکی حق و باطل، راستی وکژی، زیبایی و زشتی را مشخص می کنیم؟

«کشف» اینکه اجداد ما در سه هزار سال قبل، اصیل ترین ملاک حق، راستی و زیبایی را تعلق به توده های مردم کارگر و دهقان می شناختند و «سلطنت بدکنشی ودروغ پرستی» را آزارکردن به کارگران و دهقان می دانستند، مایهٔ وجد و غرور وسر افرازی ما میگردد ولی دیدن اینکه کسانی از میان ما در عصر کنونی، هنوز حتی با ولع ابلهانه، به سخنان و حکم دروغ پرست گوش میدهند و فراتر ازآن علیه حق و نیکی ومردم سلاح بر میدارند، نمیتوانند روح ما را سخت به دردنیاورد.

«حماسه»

غریق وپلیس

مردی به رودخانه سند افتاد. فریاد بر آورد:

«کمک کنید، کمک کنید!»

ولی کسی به نجاتش نشتافت. چون موقعیت را خطرناک دید، حیله یی به خاطرش رسید.

فریاد زد:

«مرگ براستبداد، زنده بادآزادی!»

ناگهان مامورین پلیس ساحل رود خانه را سیاه کردند، مرد را از آب گرفتند و به زندان بردند!

درس آتش

موج را نازم که از ننگ سکون آزاد شد
هر کجا ره برد شور زندگی بنیاد شد
آدمی هر چند در اندیشه ها آمیخت، ریخت
فکر را رنگ تیشه دادتا بهزاد شد
چیست هستی جز طنین مست ساغرهای ما
جنس خاموشی شراب‌اندوده شد، فریاد شد
قطره در آغوش دریا جاودان جلوه هاست
گر زبیم قهر توفان یکه شد، بر باد شد
روزها خون خورد طفل دستباز انقلاب
تاکه از بر کرد درس آتش و استاد شد
شاد شد آنکس که خود را با جماعت شاد خواست
آن که خودرا خواست تنها، خاک شد ناشاد شد

سلیمان لایق
۱۳۶۱/۳/۲۵

مختصری پیرامون موسیقی جاز

موزیک جاز در حقیقت فریاد برده گانست برای آزادی، فریاد استثمار شونده گانست برای عدالت اجتماعی، فریاد سیاه پوستان است برای امحای تبعیض نژادی در ایالات متحده، این فریادهاو شیون ها از قلوب داغدار توده سیاه پوست علیه بی عدالتی به بیرون سرمیزند.

این موزیک نسبت خصلت خود با گذشت مدت کوتاهی چنان جهان شمول گردید که تقریباً همه مردم جهان به نام آن آشنایی حاصل نمودند.

بنابرین شرح مختصر سیر تحول آن از بدو پیدایش تا امروز جالب خواهد بود.

در بین قرن های شانزده و نزده میلادی بیست تا پنجاه میلیون افریقایی به صفت برده به قارهٔ امریکا منتقل گردید. این گروه سیاه پوست نسبت روش غیر انسانی و نادرست سفید پوستان نسبت بخود شان از سفید پوستان متنفر شدند که تا هنوز بقایای آن پا بر جاست. با همین خصوصیت در مناسبات سفید پوستان و کتله سیاه پوست فرهنگ مشترک افرو امریکائی پدید گردید.

که اساسی ترین بخش آن همانا موسیقی جاز است و جاز حاصل یک مخلوط منحصر به فردی است از وضعیات و خصوصیات مختلف تاریخی و اجتماعی. عمده ترین عامل جاز مردم (افرو ـ امریکائی) بودند که در نیمهٔ قرن نزدهم میلادی حدود یکصد سال قبل از حالت بردگی بر آمدند وپا به دنیای آزاد تری گذاشتند. با وجود آنکه افرو امریکائی ها صدها و صد سال از سر زمین اصلی شان افریقا بدور ماندند ولی قسمتی از سرودها و موسیقی اصیل شان را که عبارت از میلودی ها و ضربهای افریقائی بود، زنده نگهداشتند.

در ابتدای پیدایش موسیقی جاز که از احساس داغ و آتشین هنرمندان سیاه پوست مایه میگرفت، این موسیقی را «جاز گرم» می گفتند: بعد بمرور زمان یعنی در سالهای اول دههٔ پنجاه «جازسرد» پا به عرصهٔ وجود می گذارد درین نوع جاز شنونده مجبور است با تأمل و دقت به آن گوش فرا دهد. یکی از مشخصات جاز سرد اینست که نغمات میلودی ها در لابلای یک آهنگ جاز بدون پیچ و تاب های متواتر و اهتزاز های قوی در تار ها بصورت نواهای صاف و بی پیرایه عرضه میگردد. این دوره ده سال دوام میکند و بعداً دورهٔ دیگری شروع میشود که بنام «جاز آزاد» مسمی است. بجاز آزاد (چیز نو) نیز میگویند و جاز آزاد را نمیشود در یکی یا دو کلمه تعریف نمود. جاز آزاد فریاد آزادی را دو باره تکرار میکند واین چیزی است به سبک نو، یک شعور نوین است برای ادامه زندگی انسانی، جاز آزاد عکس العمل افرو ـ امریکایی هاست در مقابل استثمار اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی شان، آلات موسیقی در جاز آزاد بجای اسلحه در مقابل بی عدالتی های سفید پوستان بکاربرده میشود. چنانچه عناوین صفحات موزیک جاز، نامهای مستعار گروه های هنری در موسیقی جاز و بالاخره نام های کمپوزیسیون های جاز بیانگر این واقعیت ها میباشد. بطور مثال در نام (اکستر موزیک آزادی ایتکا بلو) (ایتکا) نام زندان معروفیست که تنها برای سیاهپوستان بود.

نام سه هنرمند در تاریخ موسیقی جاز مانند ستاره درخشیده و با خطی درشت ثبت شده است هر یک صاحب سبک جداگانه درین موسیقی میباشد. این ها عبارت انداز لوئی ارمسترانگ، چارلی پارکرو جان کولترین.

(لوئی ارمسترانگ) هنرمندی است که نحوهٔ اجرای موسیقی جاز را از سبک اجرای دسته جمعی تغییر داد و سبک (سولونوازی) را در جاز بوجود آورد.

(چارلی پارکر) هنرمندی بود که موسیقی جاز را از سبک (جاز رقص و جاز رقص تفریحی) به سبک (جاز هنری) یا موزیک و یا بهتر بگوییم (موزیک جدی) تغییر داد.

وبالاخره جان کولترین هنرمندی است که روزنه های موسیقی جاز رابسوی جهان کشود واز موسیقی جاز یک (موزیک جهانی) ساخت او موسیقی جاز را بهمان سبک و استیل اجرا کرد و آنرا مروج ساخت که (موسیقی کلاسیک هندی) امروز اجرا میشود. زمانیکه دوازده سال قبل (جان کولترین) به عمر چهل سالگی در نیویارک چشم از جهان پوشید دفعتاً چنین احساس شد که موسیقی جاز بدون رهبر مانده است امروز کمتر نوازنده سکسفونی را می یابیم که به نحوی از انحا از سبک وروش (جان کولترین) استفاده نبرده باشد و زیر تاثیر هنر این هنرمند بزرگ نباشد.

درپهلوی شیوه های مختلفی که نوازندگان موزیک جاز در امر نوازندگی از آن استفاده نمودند ابتکار دیگری نیز توسط جاز نوازان بوجود آمد که عبارت بود از وارد ساختن آلات تازه موزیک در ارکستر های جاز، بعضی آلات موزیکی که در اجرای موسیقی کلاسیک غرب از آنها استفاده نمیشود، این امر از یکسو برای نوازندگان جاز دست آزاد تری بخشید و ساحهٔ وسیع تری در اجرای موسیقی جاز برای شان میسر نمود واز سوی دیگر باز گشتی بود بسوی حوزه های کلتوری موسیقی قدیم غیر اروپایی و در عین حال رجعتی بود بسوی افریقا یا سر زمین اصلی نگروهای امریکائی. از همین جا بود که موزیسن های جاز مواد و آلات موزیک افریقایی را در موزیک جاز غربی در آمیختند و همچنان تقریباً همه انواع موسیقی را از حوزه های مختلف کلتوری جهان از طریق مواد وآلات موزیک خاص خویش در موزیک جاز تبارز دادند.

تتبع: ساعی

لوئی آرمسترانگ (ترومپیت نواز) معروف به سلطان جاز

لحظه یی با یک هنرمند رباب نواز

رباب که از بهترین آلات موسیقی شرقی شمرده میشود و آشنایان و دست اندر کاران هنر موسیقی آنرا مهمترین و بدون شرط جزء عمده یک ارکستر شرقی میخوانند، در کشور ما نوازنده های زیاد دارد. که یکی از آنان هنرمند خوب ما غلام محمد است.

غلام محمد را در حالیکه پارچه نغمه یی را مشق و تمرین میکرد در ستدیو های رادیو می یابم. ازوی در مورد اینکه چه وقت در صف هنرمندان برای خود راه باز کرد، می پرسم، میگوید بیست و پنج سال قبل، زمانی که بیش از هفده سال نداشتم نزد استاد سر آهنگ مرحوم «گرگذاشتم» استاد مرا به هنر آواز خوانی آشنا ساخت، اما چندی بعد تر مریضی شدیدی در وجودم لانه کرد. پس از آن نتوانستم آواز بخوانم ولی علاقمندبودم تا همیشه با موسیقی باشم و به این منظور نواختن رباب راپیشه گرفتم و با رهنمایی های پدر کلانم استاد «گل پسند» مرحوم اساسات رباب را آموختم.

غلام محمد که بیشتر از بیست وچار سال را درشهر هرات گذشتانده و اهالی هرات به او و به هنرش علاقمندی قابل توجهی داشته اند، در پاسخ به سوال دیگری میگوید:

من آرزو داشتم، بارادیوی وقت همکاری نمایم.

ولی هر بار که مراجعه می کردم باسرزنش وخشونت رانده میشدم.

لذا دیگر هوای همکاری با رادیو را از سر دورساختم تا اینکه انقلاب ثور و به خصوص مرحله نوین تکاملی آن پیروز شد و من نیز به رادیو پذیرفته شدم و در بدل معاش خوب به صفت نوازنده استخدام گردیدم.

غلام محمد اکنون در ارکستر شرقی رادیو تلویزیون رباب می نوازد.

او را همه آواز خوانان دوست دارند و وجود اورادرارکستر شرقی حتمی می پندارند. وی که عضو اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز میباشد تااکنون جهت دیدار و آشنایی با موسیقی کشور های دیگر، سفر های نسبتاً زیادی به خارج از کشور داشته است که از همه مهمتر سفر هایش به جمهوری دموکراتیک آلمان و هندوستان را میداند.

«قیومی»

غلام محمد رباب نواز

هومر، حماسه سرای بزرگ باستان

از مدت های مدیدی مسالهٔ وجود «هومر» مورد بحث دانشمندان، مورخین، باستان شناسان و زبان شناسان قرار گرفته و صدها جلد کتاب، درین باره نوشته شده است، که آیا شاعری بنام «هومر» که دو منظومهٔ بزرگ «ایلیاد» و «ادیسه» را بدو منسوب می دانند، وجود خارجی داشته است یا نه؟ خوشبختانه در قرون اخیر به علت پیدایش تصویر حجاری شده «هومر» بر سنگ مرمر، دیگر این شک از میان رفت و ثابت گردید که «هومر» در هزار سال پیش از میلاد مسیح میزیسته است ولی هنوز محقق نیست که کلیه اشعار (ایلیاد) و «ادیسه» را او سروده باشد حتی درباره وطن و زادگاه اصلی (هومر) اختلاف نظر وجود دارد. به هر حال آنچه مسلم است ازین شاعر حماسه سرا در کودکی یتیم شد و از همان آوان به فقروبدبختی افتاد، پدرش «منون» نام داشته ولی اینکه چکاره بوده است، درست معلوم نیست

«هومر» ادبیات و موسیقی را در محضر «فمیوس» نامی، که مدرسه هایی هم داشت، فرا گرفت و پس از مرگ استاد، بجای او نشست و شاگردان را تعلیم میداد. هومر تمام عمرش را در یک نقطه بسر نبرده و شاید یکی از دلایل اختلاف نظرها درباره زادگاهش، همین مسافرت های او باشد.

میگویند تاجری بنام (منت) که از طریق دریا، کالاهای بازرگانی حمل می کرد، شاعر را به عنوان رفیق سفر و مونس راه برگزید و او از راه دریای مدیترانه، سفر کرد، بدینگونه بود که (هومر) موفق شد به مصرو لیبی، اسپانیا وایتالیا سفر کند و در این کشور ها چندی بسر برد، وی مدتی در جزیره (اتیاک) اقامت کرد و در همین محل بود که شاعر اولین عوارض بیماری چشم را، که سرانجام منجربه نابینایی کامل اوشد، احساس کرد. لیکن این چشم دردی، او را از مسافرت هایی که در پیش داشت باز نداشت.

شهرت (هومر) مدیون افسانه هایی که در باره زندگی وی ساخته شده، نیست بلکه صرفاً مدیون این دواثر جالب است که نه فقط او را از بزرگترین شعرای باستانی به شناخت آورده بلکه در ردیف شعرای بزرگ هرعهد وزمانی قرار داده است.

این شاعر نابینا، تابلوهای زنده و شگفت انگیزی از قهرمانان شجاع دوران باستان برای نسل های بعد ونسل امروزی باقی گذاشته است. هومر آنگونه از خشم شجاعت، پایمردی و عشق آنان سخن رانده است، و آنگونه با ذهن نیرومند وطبع روان لحظات وحشتناک جنگ، درد و رنج پدرانی را که فرزندان شان را درجنگ از دست داده اند، تلخی اشکهای زنانی را که شوهران شان کشته شده و مصائب کسانی دیگر را که عزیزان شان قربانی جنگ شده اند، تصویر کرده است که هنوز، پس از گذشت چند هزار سال، اعجاب وتحسین خواننده را، ازهر قوم و ملتی، با هر کیشی وآئینی وبه هر زبانی بر می انگیزد.

آری! (ایلیاد) و (اودیسه) او را جاویدانی ساخته‌است، مهم نیست که «هومر» کی و از کجا بود، مهم اینست که او، انسان بود و یکی از اوج های شگرف هنروفرهنگ انسانی.

«هروی»

آنها که هم اکنون در آسمان اند

اناتولی بریزووای بتاریخ ۱۱ـ اپریل ۱۹۴۲ در «اینم»، واقع در منطقهٔ خود مختار ادیبجی در یک فامیل کارگر بدنیا آمد. وی در سال ۱۹۶۵ مکتب عالی نیروی هوایی کاچه را بپایان رسانیده و در مدت دو سال بحیث رهنما درآنجا ایفای وظیفه نمود، بعدا به یکی ازقطعات نیروی هوایی تبدیل شد در سال ۱۹۷۰ در زمره کورس تمرین پرواز های فضایی تحت تربیه قرار گرفت.

بریزووای برای مدت دوازده سال بصورت خستگی ناپذیر بمطالعه وکار ادامه داد.

وی در رشتهٔ تکنالوژی فضایی تحصیل نموده و کورس مکاتبه فضایی رادر اکادمی نیروی هوایی گاگارین بپایان رسانید پس از ختم تحصیل به سمت فرمانده سویوزـ ت۵ انتخاب شد.

والنتین لبدیف که اصلا انجنیر میخانیک میباشد دریک فامیل سرافسر تانک در ماسکو تولد شده و در ابتدا پروازهای فضایی را در مکتب هوانوردی اورنبرگ فرا گرفت. در سال ۱۹۶۰ در انستیتوت هواپیمایی ماسکو ثبت نام نمود بعد از فراغت ازآن انستیتوت در دفتر دیزاین که سرجی کورولیوف ریاست آنرا بعهده داشت، مقرر شد و در سال ۱۹۷۲ تحت تربیه در رشتهٔ پرواز های فضایی قرار گرفت. بعد از یکسال دورهٔ ترینتنگ، در زمره عملهٔ سیوز۱۳شامل شد و همراه با پایتور



کلیموک مشاهدات مغلق فزیک نجومی را در مدار انجام داد.

بعدازپرواز سیوز ۱۳ توانست از تیزس ویژهٔ خود بحیث کاندید ساینس دفاع نماید. وی به ۱۶ اختراع موفق شده است.

«همیار»

به خاطرۀ مقدس پسرم فرهاد

نوشته حمید غلام

فنا ناپذیر

این فشرده ناولی استدرباره انقلابیونیکه در دوران آغازقدرت انقلابی در ترکستان علیه عقب ماندگی و بیسوادی رزمیدند.حادثه بین ماه سپتامبر ونوامبر ۱۹۲۳ رخداده است .

نور روز مد تها پیش دامنش را از شهر بزرگ بر چیده بود ،و سیاهی شب چادر ش را تا دور دست ها ، حتی آنسوی کرانه های خشک و بی آب و علف کاریز ها ، هموار کرده بود .

نیمه شب بدون اینکه کسی‌آمدنش رامتوجه باشد ، گذشت باد تند که شهر را تمام روز در پنجۀ نیرومندش میفشرد و خاک نرم و سر مه گون را به سرو روی همه‌کس و همه‌چیزمیزد، دیگر از نفس افتاده بود . جای آنرا باران سنگین که برگ های خاکی‌را، برای بار او ل پس از تابستان داغ وسوزان طولانی ، شسته بود ، گرفت . باد کارش را کرده بود . مقصود به برنده دفتر کارش بر آمد، تا نفس تازه نموده و هوای آزاد رابا تمام قوا بهشش‌های خشک و گردزده‌اش راه بدهد . باران دیگر ریزش تند نداشت .

سر کها ، دیوار های گلی که حو یلی را تنگ در آغوش میفشرد ، خانه ها ، تاج درختها و همه چیز را لا یه لك خاك پو شانده بود ، بوی خشک و گرد زده تابستان از همه جا شنیده می شد .

ولی حالی همه چیز دگر گون شده ، هوای تازه شسته شده سبک شده بود . گو یی پس‌از مد تها ی زیاد حمام کرده بود و بوی‌فرا موش شده بر گها و سبزه ها بار دیگر هوا را پر نمود .

مقصود به آسما ن نگاه کرد . در دلش آرزو میکرد که باران بار دیگرتند شود ، ولی قطره های باران، باآنکه هنوز نور ستار گان نمی توانست از لای ابر بگذرد ، کم شده بود .ابر ما نند زن باردار دارباسنگینی و کندی حرکت میکرد ، گو یی می خوا ست باغستان ها و بر گه های خشک راتا گلو پر آب نماید .

باید دو باره به اتاق کارش بر میگشت . هنگا م گذر چشمش به جنتری پاره که روی میزش نی بر دیوار ، قرار داشت تا نه تنها به ساده گی بتواند گذشت زمانرا ببیند بلکه بر آن روز هاو حوادث مهم را ثبت نماید ، افتاد .

۱۱ سپتامبر ، ۱۹۲۳ ، بلی ، این شبانه روز هر گز فراموش نمی شود .

شهر به خواب سنگین فرو رفته بود ، فقط بروی میزوی چراغ هنوز خاموش نشده بود . تا چی وقت چراغ روشن خواهدبود؟ کی میداند ، ممکن تا سپیده ؟

فکر کرد ، باید افکار ش را بیشتر متمر کز بسازد . و لی سیل افکاری که بر مغزش هجوم می‌آوردند تیره ، ناگوار و بی ثمر بود . بانهم تا هر مد تیکه چراغ بسوزد آن معلم تنومند ، باسینۀ های ستبر و بلند بالا که آمده بود تا در خوجه کنت ، دهکده بزرگ پای کوهستان کار نماید ، در برابر ش پدیدار نخواهد شد .

کمتر از یکماه میگذشت که آنها برای نخستین و آخرین بار با هم دیدند . به مقصود اطلاع داده‌بودند که جوان بلند بالا و پر جرات که مکتب تربیه معلم را تمام نموده و حاضر بود تا در خوجه کنت کار نماید ، نزدش خواهد آمد . مقصود به زودی دفترش راترک نمود و به بخش محلی خدمات امنیتی که کار نبرد با دشمنان قدرت مردم و زنده گی نو در این سر زمین بالا کشیده را بدوش داشت ، رفت واز آنجا راسا به مکتب سرزد .

مرد بلند قد و جوان خویشتن را معر فی کرد :

— «ابیجان احمد » .

این مرد به مسعود ، پسر ش که جوان بلند بالا ، شجاع ومحبوب مردم بود ، میماند .

— « ممکن شما بدانید که‌سلف شما ، اولین معلم خوجه کنت ،چند روز پیش کشته شد ؟»

— « بلی ، شنیده ام »

— « خوب بهر صورت. آمده ام برایتان بگویم که بیشتر از احتیاط کار بگیر ید ، چشم هایتان باز باشد . در هر گا می که برمیدارید اول خوب بیاندیشید وباز هم بیاندیشید .»

— « من نمیترسم . بهر صورت، کی او را کشت ؟»

— « چیزی گفته نمی توانم ،ما هنوز قاتل را دستگیر نکرده ایم و معلوم نیست که موفق بهاین کار خواهیم شد . دشمنان ما آب زیر کاه اند، میدانند که چی گونه خویشتن را در گوشه های تاریک پنهان نمایند .»

— « هر قدریکه کوشش کنند . آنان نمیتوانند جلو توفان دگرگونیها را بگیرند . دریا هر گز به عقب بر نمیگردد !»

« درست است . ولی جوان نورسته ، باید از دشمن ما هرتر بود .»

بعد ها او دانست که ابیجان فقط ۱۹ سال عمر داشت .

ابیجان تکرار کرد :

— «از ایشان هراسی به دل ندارم ».

اکنون بر میز گزارشی از قزلکنت ، نزدیکترین اداره محل قرار داشت . در گزارش آمده بود که ابیجان احمد کشته شده است : پیش از او عبدالله جان علی ، اولین معلم مکتب خواجه کنت ، که‌او نیز از مکتب تربیه معلم یکسال پیشتر فارغ شده بود به این سر نوشت دچار گردید . هر دو جوان پر شور مفید ، مستقل و سر سپرده ، به عمر سخت کوتاه وانبوه بار !

مقصود با خود اندیشید . کمتر از یکماه . ذهنش به لحظه یی راه کشید که بار اول با این جوان دیدار نموده بود . باید او را بیشتر هوشدار باش میداد و موضوع رابا تفصیل بیشتر برایش شرح میداد . خوب حالا دیگر دیر شده بود .

آنان ابیجان را در دریا ، زیر درخت های بید کنار آسیاب یافتند. بر فرقش باچیز سنگین ضربه زده وسپس وی رابه آب انداخته بودند و لی موج دریا او را به دوردستها نبرده و تا کنار آسیاب کشانیده بود .

حلیم جان ستار ، مامور امنیت ، که تا همین چند وقت پیش نو گرای بود ، با الفبای عربی گزار شرا نوشته بود . گزارش که با عجله و دستپاچگی نوشته شده بود ، پر از غلطی های املایی و انشایی بود .

چی؟ آیا دربِ مکتب خوجه‌کنت ـ رابست یا بیشتر منتظر شد؟ اول قاتل رایافت و سپس... نی ، نی قاتل ـ یا قاتلان ! دندانهای مقصود از شدت غضب بهم فشرده شد . دو جنایت خطرناک ، در ظرف یکماه دریک دهکده ! دو قتل کینه توزانه در روز روشن بدون اینکه اثری از قاتل یا قاتلان به جای مانده باشد !

عبدالله جان علی ، اولین معلم کسیکه مکتب خوجه کنت را گشوده بود ، شبی درباغ نزدیک مکتب به گلو له بسته شده بود . مقصود با سرعت خود را به خوجه کنت‌رسانده بود .

این دهکده به داشتن پنج درخت پنجه چنار ، سخت مشهور بود .جای شگفتی هم نبود زیرا این پنج پنجه چنار سخت قوی هیکل و تنو مندبوده و تنه آنها به مانند ستون های بلند ازفاصله‌دوردیده میشد . چارمردتنومند باید با هم دست میدادند تا میتوانستند ، تنه درخت را به‌آغوش بکشند . چی پنجه چنار های شگفت انگیز ادر پای پنجه چنار هاچشمه یی فوران داشت . سکوت آرامش بر همه جا فرمان میراند ، گو یی آب از آب تکان نخورده است .

آنسوی درخت های پنجه چنار، بر نشیب لغزنده ، گوری قرارداشت که درآن .... امکان دارد هیچکسی ـ غنوده‌بود . بهر صورت شهرت این «جای مقدس » که میگفتند شفای تمام درد ها و ناجوری هاست ، هزاران مومن ناجور یا جور را به این سو میکشاندند . راه باریک که‌زیر پای در دمندان دهن گشوده بود ، نمایانگر زنده گی دشوار و رنج بیکران دهقانان اطراف بود . راه چون اژد های پیچان تاذل صخره ها میدوید . دردمندان توسط آن ، بار سنگین شکایات سرنوشت سیاه کسی یا ناجوری‌ناسور کسی رابه این «جایگاه مقدس » برای التیام می آوردند .

شاخه های درخت های پنجه چنار از تکه های رنگا رنگ حاجتمندان که برای گشودن گره زندگی شان «بند» بسته بودند ، شاخ های گوسپند و بز ، ظرف های گلی و اشیای گوناگون که حضور نذر دهنده را نشان میدهد، پوشانیده شده بود .

به هر صورت این همه چیز آنجا نبود . روی سنگ همواری در زیر یکی از درخت های پنجه چنار مرد « مقدس» پیری مانند پرنده یی نشسته بود . چنین افراخ«مرد .....» بالنگی بزرگ، مانند پناه گاهی وی را در خویشتن جا داده بود .اوبدون لحظه یی توقف با خاموشی تسبیح می انداخت . او چون پاسبانی از « بند ها» و « نذر ها» گوسپندان چاق و چله ، مرغهای سیاه و سپید و سکه های پر زرق وبرق نگهبانی میکرد . هر قدر یکه نذر چربتر میبود ، نیاز زودتر بر آورده میشد ! ولی « مرد ... » بدون اینکه سر یا چشم هایش رابالا نماید ، تسبیح می انداخت و ذکر میکرد .

— « نامش چیست ؟»

— « صلاح الدین » مبارک»

در وادی های سر سبز و دشت های ریگی این سر زمین از این مردان ..... فراوان بود ! ولی معلمان کم

مکتب خوجه کنت را در عمارت باشکوه وبزرگ بای ، جا داده بودند مقصود باستار یکجا بود .او برایش گفت که باغ و تاکستان تا نشیب های دور دست گسترش یافته وهمه آنها به خوجه بای ، دارا ترین مرد دهکده ، تعلق داشت . اکنون همه آن به استفاده ما قرار داشت.

ولی دهقانان تا دیر هنوز با آنکه یک سال‌تمام از انقلاب گذشته بود زندگی تابیده بود جرات نمیکردند به دیوار ی نزدیک مکتب بیایند . چندین سرا چه در آغوش میفشرد ، بگذرند .

زمین های بای از قزل کنت تا دهکده یوسف خانه گسترش می یافت . این زمین را سر ک های متعدد و بر که های آبیاری از هم جدامیکرد و دهقانان نادار باشانه های ستبرو نیرو مند ، برد ل آن دانه می‌افشاندند طبیعی بود زیرا زمین یعنی نان . حالا ایشان در گوپراتیفی گردآمده بودند تابا هم یاری برسانند . ولی عمارت با شکوه باغ متروک مانده و منتظر دست نوازشگر بود . سپس اولین معلم فرا رسید و مکتب گشوده شد .

محوطه بیرونی خانه بزرگ بای در کنار سرک قرار داشت و توسط دیوار بلندی از آن جدا شده بود . دروازه های آهنی بزرگ دل این‌دیوار را میگشود . بر دروازه های آهنی، ثمرۀ کار بهترین استادان آهنگری بشکل گل میخ تزئینی و اشکال‌گوناگون ، نقش یافته بود . چی دروازه های زیبا ! این ها همه از ثروت بیکران بای و مقام بزرگش دم می زدند .

حالا این دروازه ها به روی کودکان مکتب گشوده میشود . ولی سکوت مرگبار مکتب را درچنگالش میفشرد .

مقصود دو روز روی این حادثه کار کرد . دشمن اختلاف شخصی با عبدالله جان نداشت . وی برای تدریس کودکان دهکده آمده بود و همین ،حکم مر گش را امضاء کرده بود . آنان اساسآ از مکتب تنفر داشتند . لذا باید مکتب باز شود و درس ادامه یابد ما باید نشان بدهیم که ترس نداریم ، به زودی از میدان بیرون نمیشویم .

مقصود وعده داد .

— « معلم دیگری خواهیم فرستاد»

این وعده دل ستار را شاد ساخت و گفت :

— « هر چه زود تر بهتر ! درغیر آن شاگردان مکتب را فراموش خواهند کرد و پدر و مادر شان آنان را به مکتب نخواهند فرستاد»

حالی معلم دوم هم نه توسط گلوله ، بلکه با سنگی کشته شده بود . درخت های پنجه چنار باشاخه های سبز ش در برابرچشم های مقصود نمایان شد ، شیب کوهستان ، دریای مواج زیر چرخ آسیاب و گور ... مقدس همه

وهمه بر پرده ذهنش جان گرفتند . چنین به نظر میآمد که موج غریو نده دریا دفتر کار ش را در کا شکنند با نسیم سردونمناك پر مینماید . دروازۀ دفتر کار ش زیر بار سنگین باد طاقت نیاورده و چار پلاق باز شد و موج باد سرد وتازۀ شب ،اتاق را انباشت

صدای غرش امواج دریا ، سکوت شب را در هم شکست . مقصود بر خاست تا دروازه‌رابیندد ، ولی ناگهان همه چیز در برابر چشمانش چرخید و به پله دروازه چنگ انداخت تا بتواند روی پایش بیاستد . لحظه‌یی ایستاده سپس درك کرد که چیز مهم نیست فقط نتیجه

خستگی بیش از اندازه و بیدار خوابی های طولانی که حما بش را یاد نداشت ، بود .

مقصود در وازه دفتر ش را باز کرد ، به برنده بر آمد و باز ارنجها یش به کتاره تکیه‌زد .با خود زمزمه کرد : مرد ، دیگر پیر میشوی اگر کمی جوان میبودی ، خود به خوجه کنت میرفتی و صبح وقت زنگ مکتب نواخته میشد ، شاگردان را فرا میخواندی ، آنان را پشت میز ها مینشاندی و خود ت کنار تخته‌سیاه ایستاده میشدی .

این مساله تمام روز ذهنش را در چنگال میفشرد. نامه‌ستارخواستار فوری معلم دیگری بود. کی‌را بفرستد ؟ او اگر می توانست خود را تا هنگام دستگیری قاتلان به مکتب بفرستد ؟ ناچار است که آدم جوانی را بفرستد زیرا معلم مسن تر دیگری سراغ ندارد . واین مرد جوان را کجا بفرستد ؟ به دهان مرگ !

ماه نیم دایره ، از پس ابر ها بر آمده و نور نقره یی اش را بر سرآسر شهر به خواب رفته افشاند لحظه یی بعد ستاره گان نیزچشمک زنان بر پرده سیاه آسمان پدیدار شد . باران با سرعت ولی بسیار مدت کم بارید و یاد زنده گی کوتاه جوانانی را که به خوجه کنت رفته بودند ، زنده کرد .ابرهای سنگین که فکر میشد . با سقف آسمان چسپیده اند و جدا یی نا پذیر ، دریک چشم به هم زدن با ل کشیدند و نا پدید شد ند . به هر صورت رد پای آن ها به شکل قطره های شفاف و روشن‌به روی بر گ ها باقی ماند . بلی ، باقی ماند .

درخت ریحان حو یلی دختر به گل نشسته بود و عطر مست کننده اش که از شدت زیاد نفس را در سینه حبس میکرد ، حضور خویش‌را در هوای تازه شده ، هر چه بیشتر مینمایاند .

نی عبدالله جان و نی ابیجان که سخت عاشق رایحه خوش گل ریحان بودند دیگر از آن میتوانستند لذت ببرند .

کی را باید به خوجه کنت فرستاد ؟

تلفون روی میز ش چر تکس‌یی هم نمود . مقصود با شتاب خود را به آن رساند . در این ناوقتی شب حتما چیز مهمی رخداده است . او صدایی را که فوراً آنرا شناخت شنید .

— « رفیق اکرام شب بخیر »

او منشی کمیته مرکزی‌ترکستان (جمهوری سوسیالیستی شوروی خود مختار ترکستان ، پس از پیروزی انقلاب اکتوبر در آسیای مرکزی بوجود آمد ـ ۱۹٤٤ ـ ۱۹۱۸ و شامل تمام ترکستان پیشین میشد . در سال ۱۹۲٤ این بخش به ج.س.ش. ازبیک ،ج.س.ش. ترکمن ، ج.س.ش . تاجیک ، ج.س.ش قرغزو جمهوری‌خودمختار سوسیالیستی شوروی قره کالپاك دوباره سازمان یافت) بود . صدای جوان و نیرو مندش را غبار غم و اندوه فرا گرفته بود .

— در مورد خوجه کنت گپ میزدم . مقصود چی باید کرد ؟»

مقصود بدون تامل گفت :

— پس شما میدانید ؟

— « بلی خود صحبت تلفو نی جواب بود . البته او از طریق گروه حق بی قزل کنت اطلاع داشته است .مقصود فوری پاسخ نداد واکرام هم عجله‌یی نداشت .

بالاخره او گفت :

« در مورد فکر کرده ام . ولی چیزی دستگیر م نشده است »

اکرام بدون آنکه توقع میرفت موافقت نشان داد .

— درست است ، تصمیم عجولی نگیر که ممکن ضرر هایی بار بیاورد خوب فکر کن و تمام جوانب آنرا بسنج . مر کز محل و شورای دهکده چی می اندیشند ؟»

— آنان تقاضا می کنند که بهتر نیست مکتب را کمی عقب بیندازیم ؟»

صدای محکم و قاطع آنسوی گوشکی تلفون شنیده شد :

— « نی ! شاگردان باید بدانند که معلم کشته نمی شود . معلم موجود بی مرگ است زیرا ....»

او کمی توقف کرد و تلاش نمود کلمه های مناسب بیابد ..... زیرا معلم خود ش زنده گی است ! فهمیدی ؟»

— « بلی ، فهمیدم »

سخت روشن بود : خود زندگی و لی دو معلم یکی توسط گلوله و دیگری با سنگ کشته شده بودند. چیقدر ظالمانه و بیرحمانه ! چی تنفر کینه توزانه علیه زنده گی انی، نباید بر قاتلان رحم کرد . ایشان را باید یافت . ولی حالی .....رفیق اکرام ، باید معلم نوی رابرای خوجه کنت آماده کرد ، این کار از همه مهمتر است . بهتر است کسی را فرستاد که تجربه کافی داشته و دربن رشته تربیت شده با شدتا همزمان درس بدهد و....»

اکرام گفت :

— « موافقم . یك ساعت بعد احوال بده

مقصود گوشك را گذاشت و افسوس خورد که کاش مانند اکمل اکرام جوان میبود . سن منشی هنوز به بیست و شش نرسیده بود انقلاب از جوانان می خواست تا بار سنگین مسوولیت را حتی درسن کم بدوش بکشند ، سنگینی امورسال های اول انقلاب بر شانه های ایشان قرار داشت .

زنده گی مقصود مراحل دیگر رااز سر گذرانده بود . درسال ۱۹۰۵ ، کارگر خط آهن سال های نبرد علیه گروه اشرار .و دوره های آغاز

زندگی نو . حالا مویش رنگ خاکستری به خود گرفته بود . فکر میکرد که موی هایش رنگ پیش از وقت به خود گرفته است . ولی رد پای زمان در شیار های روی و رنگ مویش دویده بود .اوبه همین دلیل موی سرش راپاک میزد .

ولی چی اهمیت دارد ؟ حالا پسرش مسعود با موی های مجعد سیاه ، که بر پیشانی بلند ش‌افتاده بود ، وجود دارد .

مسعود ، پسرش . فکر مانند برق درافق ذهنش درخشید .

مسعود یکسال پیشتر از عبدالله جان مکتب تربیه معلم را تمام کرده بود و یکسال هم در مکتب معینی درس داد . سپس ایشان به‌گزینش بهترین افراد در خدمات امنیتی اقدام کردند . مسعود که از موضوع خبر شد به پدرش گفت :

— پدر ، من هم میخواهم اگر بتوانم .....

پدرش گفت :

— مربوط کمیسیون است . ایشان تصمیم خواهند گرفت .

مسعود پس از آنکه از طرف کمیسیون پذیر فته شد به خانه برگشت و پدر ومادرش را به آغوش کشید .

— ستاره اقبالم طلوع کرد !»

جوان سخت شاد بود ، برایش پدر نمونه خوبی بودکه‌بایداز وی پیروی نمود و خدمت برایش سخت مقدس بود .او مطالب زیاد آموخت و توانایی خویش را در حل مسایل بغرنج نشان داد . او مقام‌پرارزش در بین همکارانش بدست آورد و همه کس این را که او پسر یک شخص صاحب مقام ، بود فراموش کردند .

مقصود به سوی گاو صندوق رفت آنرا باز کرد و دوسیه های اعضای خدمات امنیتی راباز نمود . اوهر ورق رابا دقت میدید ، چهره انسانان با عظمت ، مدافعان راستین انقلابو دست آورد هایش در برابر ش قد افراشت ، بلی دربین ایشان بسیار داوطلب یافت میشد که به‌روستای کوهستانی برود ، ولی هیچکدام از مکتب تربیه معلم فارغ نشده و در این رشته آموزش ندیده بود .

چرا دوسیه ها را میدید ؟

او می خواست بهترین آنان را بیابد . بهترین کسی، خواهد بود که دراین رشته تربیت دیده باشد .

مقصود به پشت میز باز گشت و دستش رابسوی تلفون دراز نمود ، ولی در نیمه راه متوقف شد . باید اول با مسعود گپ زد . زیرا کار خاص بود و نیاز مند شرایط خاص .

پیش از آنکه تصمیم بگیرد باید ببیند و حس، نماید که واکنش پسرش چی گونه است . آیا با شجاعت حاضر میشود ؟ آیا درك میکند که چرا او را بر گزیده است ؟

مقصود می دانست که بسیاری افراد بخش عملیات تا نیمه های شب آنجا هستند . بر خی اوقات که مسعود کار زیاد میداشت،منتظر پدر ش میشد تا با هم از جاده های شهر به خواب رفته خانه بروند . اگر مسعود خوجه کنت رفتنی شود او مجبور است تنهایی تنها خانه برود .

از دفتر ش بر آمد و به نفرموظف گفت که مسعود را صدا بزند . بازگشت ، شیشه‌چراغ‌را بر داشت فتیله آنرا با قیچی آراست ، و آنرا دو باره گذاشت . ناگهان اتاق‌غرق نور روشن گردید .

گام های نرم مسعود که هر دو پله زینه را یکی میساخت به‌خوبی تشخیص میشد . دروازه باز شد و او داخل شد ، پیراهنش را که زیر کمر بند پنهان قرار داشت لشم نمود . پدرش پشت میزنشسته بود وسیمای جدی اش را دو شیار پیشانیش که ژرفتر از حالت عادی بود و گره ابرو های خاکستری اش‌که هر دو را بهم نزدیک کرده بود ، خوانده میشد . این حالت تبسمی را که بر گوشه لبان جوان می خواست . نقش بیابد ، سترد .

پرسید :

— « مسعود ، کار و بار چی طور است ؟»

ما نند اینکه بار اول پسر ش را دیده باشد ، خدایا ! آیا مرد جوانی به این زیبایی می تواند باشد ؟

قدی که سر ش به سقف می‌خورد ، شانه های ستبرش که گویی می خواهد پیراهن نظامی را بما نند یکی از اساطیر قدیم ، پاره نماید . حس افتخار تنش را پر کرد .

مسعود کاغذ قاتی را از جیبش کشید و به پدر ش داد .

— بد نیست کمال الدین این را فرستاده است .»

مقصود پیش از آنکه کاغذ را باز نماید ، به چشم های پسر ش نگاه کرد . هنوز ساده گی کودکی در آن ، با آنکه سخت زیبا بود و مژگان دراز بر آن سایه افگنده بود، موج میزد . تنه اش به من می ماند ولی چهره اش به مادر شباهت دارد .

—آهسته ، کمال الدین راضی شد ؟»

بخش خاص چند ماه پیش قضیه او را فرستاده بود . کمال الدین‌یکی از تاجران بخارا ، طلا وجواهرا تشررا در جای مخفی پنهان کرده بود و پس از سقوط امارت ، به آنسوی مرز گریخته بود ، و لی برق طلا و جواهراتی که از ش مانده بود ،او را آرام نگذاشت ، لذا مخفیا نه‌مرزرا عبور کرد و روانه تاشکنت شد ، مگر در بین راه گرفتار شد اوتنها میدانست ، که گنجینه را کجا پنهان نموده بود و لی مهر سکوت بسر لبش زد . او در برابر تمام سوال ها لب از لب نمی گشود.

کسی اگر او را نمی شناخت فکر می کرد گنگ است . و لی وقتی از اش پر سیده شد چرا باز گشته است . با قهر جواب داد :

— « برای زیارت اماکن مقدسه سر زمینم »

قضیه را به مسعود سپرد ند . ولی حالا بروی این‌کاغذ نام پنهانگاه وحتی نقشه زیر و در شتی که کمال الدین خود با خط های کژو مژ کشیده ، بود ، وجود داشت .

— چی طور توانستی؟

— « ضرب المثل است : گره حیله راباحیله باید گشود.در اولین تحقیق ناگهان گفت :

تو جوان زیبا و قشنگ هستی چی قدر معاش میگیری ؟ جوابدادم: بسیار کم وشانه هایم را با ناراحتی تکان دادم . حس کردم که حرامزاده چالی در دلش دارد . همان طوری که توقع داشتم ، لحظه یی بعد سرش را نزدیك گوشم نمود و پرسید : میخواهی دختر زیبایی به زنی بگیری ؟ گفتم : البته .ولی پدرش مرد ثروتمند است . جهیز زیاد می خواهد و مراسم عروسی با شکوه و من توانایی اینکار را ندارم . زیرا با معاشم زنده گی بطور و نمیر دارم . پول ازدواج وانداوم ! و سه روز دیگر هم زبانش را گرفت و سپس گفت : بچیم . بیا از این فرصت استفاده کن ! با من بیا ! برایت آنقدر پول بدهم که عروسی با شکوه داشته باشی . در زنده گی فقط یکبار طالع انسان میدرخشد . چی وقت با هم برویم ؟ برایش گفتم ! نی ، ممکن مرا فریب بدهی . نام جای را بگو و نقشه اش را بکش !»

— « و او .... ؟»

—او مدت در از تنها نشست کلمه یی بر زبان نراند حتی از جا یش شور نخورد . ولی چشم هایش مانند چشم شیطان مرا می پایید . و بالاخره با غضب گفت : «درست است . » و با خنده قهقه اضافه کرد : « فکر میکنم عروسی و عروسی بلذیت کار سا ختگی باشد . چی فایده دارد ؟ مثلا نه که چیزی نمیدانی !» اول او مانند مار رفیش میزد و سپس مانندشغال زوزه می کشید . برایش گفتم :

— « نی ، من هم چیزی میدانم. مثلا اینکه تو برای زیارت به اینجا نیامده ای بلکه برق زیورات تو را به اینجا کشانیده است .

امروز یا فردا مجبور میشوی همه چیز را بگویی . هر قدر که بیشتر صبر کنی ، جزایت سنگین‌تر می شود .»

مقصود با اشاره سر گفت :

— خوب»

بعد لبانش را بست و مدتی خاموش ماند . سپس تصمیم گرفت .

گفت :

— .. یك تو ته کاغذ بده . فقط یك شر ط دارد : طلا و همه چیز دیگر را بگیر و مرا رها کن برو م .

— اگر سر نوشت طوری است که به طلا و زیورات دست نمی یابم کم از کم ، زنده گی خویش رابا آن میخرم . از آدم مریضی مثل من‌چی میخواهی ؟»

— « من موضوع رابا مقام های‌مسوول در میان نگذارم و ایشان پذیرفتند . این است نتیجه‌کار »

مقصود از جایش بر خاست . بسوی پسر ش رفت و با نوازش شانه هایش او را تبریک گفت و سپس به قدم زدن شروع کرد .

در خطوط چهره اش ناآرامی خوانده میشد و لی ناشی از گنجینه پنهان کمال الدین نبود .

مسعود با آرامی پرسید :

— « اگر اجازه میدهید ،خودم برای بدست آوردن طلا میروم .»

حالا پدر و پسر رو بروی هم قرار داشتند .

— « نی ، مسعود ، تو جای دیگری خواهی رفت »

«کجا ؟»

— « دیگران قصه کمال الدین را دنبال خواهند کرد .»

— « و من ..... ؟»

— تو به خوجه کنت خواهی رفت .»

— « برای چی ؟»

— « به معلمی »

—یعنی بجای ابیجان کارکنم ؟»

او از مرگ عبدالله جان میدانست و لی در مورد ابیجان چیزی اطلاع نداشت .

مقصود گزار شی را که با خط کژ و مژ ستار نوشته شده بود به طرفش دراز کرد .

— « این را بخوان !»

مسعود آنرا گرفت . درحالیکه آنرا می خواند پدر ش ساکت ایستاده بود واو را مینگریست سپس مسعود با چنان صورت غضبناك سر بلند کرد که حتی گونه هایش رنگ پریده شد . در چهره‌اش ترس موج نمیزد بلکه احساس غضب که مقصود منتظر آن بود ، راه می گشود .

مقصود ادامه داد .

— کار ویژه است . به معلمی ضرورت است تا مکتب فعال گردد . شاگردان و کودکان به درس ادامه بدهد . و لی معلم باید پر جرات و هوشیار باشد . او باید همه چیز را زیر چشم داشته باشد .»

— « فهمیدم »

— تو را انتخاب کردم .»

— « میدانم»

پدرش پشت میز نشست از روی نقشه خوجه کنت را که خود ش کشیده بود ، بیرون نمود و آنرا به پسر ش داد و گفت :

« جای خطرناك است . تورا راسآ به پنجۀ دشمن ، به همان اژدهامیفرستم . این اژدهای افسانه‌یی نیست . بلکه زنده است و وجود دارد .»

تبسمی بر لبان مسعود نقش بست :

— « پلند هکده نیست . دشمنان از هر سو به کشور ما می آیند ولی ما بر همه پیروز میشویم !»

مقصود یخش از تپ ابیجان زنده که با هیجان به زبان آورده بود .

یاد آورشد :

—کار دشوار است . »

مسعود میدانست که پدرش بآچی بهایی حاضر شده است این ماموریت ویژه رابه اوبسپارد لذا بدون‌اینکه وقت را باکلمه های میان‌خالی‌ازبین‌ببردپرسید:

—چی وقت خواهم رفت؟

—فردا . یابهتربگویم امروز . به دفتر معارف برووا سنادت را بگیر »

—چشم ، پدر»

—باید چیزی دیگرهم انجامداد . باید بهستارنامه نوشت . توخانه نزدمادرت برو . پیش‌از سفرکمی استراحت‌کن»

— « درست است . »

نسیم‌گوارای کانال انگورا ، که شهررا به دوبخش تقسیم میکرد،بار دیگر دروازه برنده را بازکرد وبا خویشتن برگ‌زردگون رابه دفترآورد. از جایی‌بانگ خروس که‌مژده فرا رسیدن سپیده را میداد ، شنیده شد. مقصود بدون حرکت بجایش نشسته‌و درباره نزاکت زنش اندیشید . مسعود برایش‌چی خواهد گفت . فقطاینکه دو باره معلم خواهدشد . اواز زیبایی‌های کوهستان ، ازچشمه سارها یش، باغستان ، تاکستان آن صحبت خواهد کرد و تصویر خوشرنگی‌از آن‌خواهد ساخت .ولی از مرگ رفقایش گپ‌هم نخواهدزد . تابه این گونه مادرش را پریشان نسازد .

مقصود به اطرافش، مثل اینکه پسرش هنوز در کنارش قرار دارد ، نگاه‌کرد . ماه‌دیگردردل آسمان گم‌شده بود .بخش شرق آسمان به زودی رنگ‌پریده خواهد شد .

مقصود دسته تیلفون رابحرکت آورد. فکر کرد ناوقت است ، و لی‌ازآنسوی خط جواب آمد .

رفیق اکرام ، معلمی را که میتوان به او متکی بود یافتم .

— « بسیار عالی! کی هست ؟».

— « پسرم»

گزارنده بدری: صدیق‌رهپو

آرشیف ملی، گنجینهٔ پربهای فرهنگی

آرشیف ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان که به منظور رفع نیازمندی های علمی و ادبی محققان و دانشپژوهان داخلی و خارجی تاسیس شده، محل جمع آوری مدارک و اسناد تاریخی، کتابهای خطی، قطعات خطاطی ومیناتوری بوده یکی از موسسات بزرگ فرهنگی و کلتوری کشور به حساب می رود.

اسناد تاریخی، نقشه هاولوایح های تاریخی، قباله ها، ابراء خط ها، فیصله نامه ها، اقرار نامه ها، بیعت نامه ها، نکاح خط ها، قرار داد ها، صلحنامه ها، التزامنامه ها، وصیت نامه ها، اشتهارات، فتوی نامه ها، دساتیر، عرایض، اعلانات، اعلامیه ها، نظامنامه ها، تذکره های هویت، جنتری ها، بانک نوت ها، تکت های پستی،

اسناد تاریخی و ارزنده یی که در آرشیف ملی موجود است بالغ به بیست هزار اثر میگردد. اسنادی که ازوزارت ها و موسسات به آرشیف ملی انتقال داده شده است در نه هزار قطعه میشود.

همچنان به تعداد سیزده هزار و ششصد کلکسیون در آرشیف ملی موجود است که تعداد اسناد تاریخی آن به سه صد قطعه میرسد.

شامل نسخ خطی میشود عبارتند از: کتابهایی شامل موضوعات فلسفه و اخلاق، منطق، نجوم، علوم دینی مانند قرآن شریف، تفسیر و احادیث، آثار ادبی مانند دیوانهای اشعار و غیره.

اهمیت دیگر کتب خطی آرشیف ملی در آنست که هنر های ظریف در آنها بکار رفته که عبارتند از: هنرخطاطی هنر میناتوری، هنر کاغذ سازی و هنر جلد سازی. به صورت مجموعی گفته می توانیم که تعداد کتب خطی و نسخ خطی کتابخانه آرشیف ملی بالغ به ده هزار اثر میگردد.

یک منبع آرشیف ملی ضمن توضیح مطالب فوق در باره تدابیری که جهت حفظ ونگهداوی آثار ذکر شده. بعد از مرحلهٔ نوین و تکاملی انقلاب ثور اتخاذ شده به خبرنگار حقیقت انقلاب ثور گفت:

«خوشبختانه بعد از پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب ثور که مرحلهٔ نجات مردم ووطن است، دولت در تمام ساحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی توجه زیادی مبذول داشت که از جمله به غنای فرهنگی گذشتهٔ کشور اهمیت در خور توجهی داده شده است.

چنانچه آرشیف ملی دوباره ترمیم شد و همچنان برای حفظ نسخ خطی تالار سر تاسری حفظیه که با شعب و وسایل عصری مجهز می باشد در اختیار ما گذاشته شده است.»

«آزرم»

آرسیف ملی از جهت غنایی خود دز امر بر آورده ساختن نیاز مندی های علمی وادبی اندیشمندان داخلی وخارجی قرار گرفته است.

اینست نمای از تعمیر مجلل وزیبای آرشیف ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان که چونان گنجینه فرهنگی پرباری در خدمت محققان و دانش پژوهان کشور قرار دارد.

دانشمندان و محققانیکه پیرامون موضوعات سیاسی ادبی، اجتماعی، اقتصادی و مخصوصاً تاریخ کشور مصروف تحقیق میباشند آثار گرانمایه آرشیف ملی که گنجینهٔ پرغنای معنوی وکانون فرهنگی پرارج کشور است استفاده زیاد میبرند.

آثاریکه در آرشیف ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان موجود است بدوبخش منقسم میگردد:

بخش اسناد آرشیفی که شامل البوم های رجال و بنا احکام و فرامین، رسیدات حوالجات اسناد مالیاتی و محاسباتی و ده هاموضوعات دیگر میباشد.

همچنان در آرشیف ملی جراید مانند شمس النهار، سراج الاخبار، سراج اطفال، امان افغان، ارشاد النسوان، حقیقت، اتحاد مشرقی، طلوع افغان، فریاد اتفاق اسلام، حبیب الاسلام آزادی شرق (چاپ برلین)، حبل المتین (چاپ کلکته) زمینداور(چاپ هند) وبرخی از جراید شخصی قدیم (چاپ کابل) به نظر میرسد.

عکس های تاریخی نصب شده در البوم ها و یانصب نشده، در حدود نه هزار قطعه میباشد. درین گنجینه بزرگ فرهنگی کتب چاپی قدیم نیز حفظ شده است که از جمله قدیم ترین کتابی که در آرشیف ملی موجود میباشد یک جلد قرآن عظیم‌الشان است که به خط کوفی نوشته‌شده‌مربوط قرن ۳ هـ.ق، میباشد.

بخش نسخ خطی از دو لحاظ حایز اهمیت است. هم ازنظر موضوع و هم ازلحاظ ارزش هنری، موضوعا تیکه

عدهٔ از کارگران شاروالی کابل صاحب خانه شدند

چندی قبل تعداد زیادی از خانه های شهر قدیم کابل تخریب گردید، که‌مواد و مصالح آن بی استفاده ماند. ریاست کاروساختمان شاروالی کابل با استفاده از این مواد و دو میلیون ونهصد هزار افغانی پول صرفه جویی شدهٔ خود موسسه، پروژه‌پانزده فامیلی‌رادرساحه چهار صد چهل‌و چار متر مربع تحت ساختمان قرار داد که اگر چه اعمار آن در پلان سال ۱۳۶۰ شامل نبود اما کارگران وکارمندان این موسسه با روحیهٔ عالی و وطن پرستی وبه اثر تلاش و زحمت کشی های زیاد این‌ساختمان را اعمار و در ظرف ۹ ماه آنرا برای بود وباش آماده ساختند.

یک‌منبع‌ریاست کار و ساختمان‌شاروالی کابل به‌خبرنگار حقیقت انقلاب ثور گفت:

هر اپارتمان این‌ساختمان شامل دو اتاق نشیمن، یک تشناب عصری ویک آشپزخانه میباشد که به اساس قرعه توسط خود کارگران ریاست کار و ساختمان، به ایشان توزیع گردیده‌است.

منبع افزود:

چنین ساختمان ها در پلان آینده هم گنجانیده شده که فعلا ساختمان یکصد اپارتمان از بیرل خالی در نظر است که کار آن بعد از تثبیت محل ساختمان آغاز میگردد.

یکتن از کارگران باشنده پروژه پانزده فامیلی شاروالی کابل به نام‌محراب‌الدین که پنجاه و شش سال دارد ومدت ده سال است که به حیث نجار در ریاست کار و ساختمان شاروالی کابل ایفای وظیفه مینماید و خود سهم فعال در اعمار این پروژه داشته، میگوید:

«مه همرای ده نفرفامیلم دو ماه میشه که ده پانزده فامیلی می نشینم جا ییکه خودم و رفقایم یکجا با هم اوره جور کدیم و حالی ده اونجه می نشینیم.»

«مه و اولاد هایم سابق در قلعه فتح الله خان در خانهٔ مردم بود و باش داشتیم که فقط یک اتاق داشت که نه برق داشت و نه اوخوردن ونه آشپزخانه، در همان اتاقی که‌مینشستیم، دیگ هم در همو اتاق پخته میکردیم. خلاصه برت بگم بسیار به تکلیف بودیم اما درینجه شکر همه چیز داریم و مه بسیار خوشحال هستم که بعد از ده سال کار به آرزوی خود که داشتن‌یک سر پناه بود رسیدیم ما کارگران حالی فامیدیم که‌حزب و دولت انقلابی از ما وبرای ماست و ما برای دفاع از وطن و انقلاب خود همیشه آماده بودیم و هستیم.»

«رسا. خبرنگار»

نمایی از پروژه پانزده فامیلی‌شاروالی که نمونه‌ای از کار های ساختمانی برای رفع مشکلات بی‌مسکنی وبی سر پناهی می باشد.

ورزش — ورزش — ورزش

مسابقات جام جهانی فتبال

بسلسله برگزاری مسابقات جام جهانی فتبال در مسابقه جالبی که‌شب ۲۷ جوزا بین تیم های فتبال جمهوری سوسیالیستی چکو سلواکیا و کویت صورت گرفت بازی‌یک مقابل یک مساویانه پایان یافت.

تیم فتبال چکو سلواکیا لقب قهرمانی المپیای ۱۹۸۰ مسکو رادارد.

در دومسابقه دیگر جام‌جهانی‌تیم اتریش یک مقابل صفر بر تیم چیلی غالب و تیم های یوگوسلاویاوایرلند صفر مقابل صفر مساوی گردیدند.

در یک مسابقه جالب و هیجانی که نیمهٔ شب ۲۶ جوزا بوقت‌افغانستان بین تیم های فتبال الجزایر وجمهوری اتحادی المان صورت گرفت تیم‌الجزایر باشطارت فراوانی دو مقابل یک غالب گردید.

پیروزی تیم الجزایر در محافل‌جهان باحیرت و تحسین فراوان همراه بوده است زیرا تیم الجزایر قهرمان فتبال سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۷۴ را بهشکست مواجه ساخته است.

باخت تیم جمهوری اتحادی المان به قول محافل سپورتی آنکشور یک فاجعه بحساب آمد.

برخی از ناظرین سپورتی باخت تیم جمهوری اتحادی المان را زوال فتبال در آنکشور تلقی کردند.

درین شب همچنان تیمهای فتبال اسپانیا و اندوراس نیز در برابر هم ظاهر گشتند که بازی یک مقابل یک مساویانه خاتمه یافت.

تیم های انگلستان و فرانسه نیز درین شب به قدرت آزمایی‌پرداختند. که بازی سه مقابل یک به نفع تیم انگلستان خاتمه یافت.

شب ۲۵ جوزا شش تیم برای راه یافتن بمرحلهٔ دوم مسابقات‌درشهرهای مختلف اسپانیا بمسابقه پرداختند که نتایج آن قرار آتی است:

تیم ملی فتبال مجارستان ده مقابل یک بر تیم السلوادور غالب گردید.

تیم فتبال مجارستان تاکنون اولین تیم فتبال این جام است، که به رقم ده گول یعنی ده امتیاز دست می‌یابد که درمسابقات آینده این تیم نیز اثر مثبت خواهد داشت.

موفقیت تیم مجارستان ریکاردجدیدی در مسابقات فتبال جهان میباشد.

تیمهای فتبال سکاتلند و نیوزیلاند نیز درشهر مالاگای اسپانیا در برابرهم قرارگرفتند که در نتیجه تیم سکاتلند پنج مقابل دو پیروز گردید. درنیمهٔ اول این مسابقه سکاتلند سه امتیاز داشت در حالیکه نیوزیلاندهیچ‌امتیازی بدست نیاورده بود.

همچنان دریک مسابقه دیگر پیرو وکامرون صفر مقابل صفر باهم‌مساوی گردیدند.

شب۲۸ جوزا تیم های فتبال‌ارژانتین ومجارستان مسابقه جالب ارائه دادند که‌بازی چهار مقابل یک به نفع تیم ارژانتین خاتمه یافت.

ارژانتین در مسابقه قبلی خود در برابر بلژیک یک مقابل صفر مغلوب گردید در حالیکه مجارستان تیم السلوادور را ده گول نمود.

همچنان درین شب دو تیم به‌شهرت رسیده از اروپا و امریکای لاتین یعنی تیم سکاتلند و برازیل باهم رو برو گشتند که‌بازی چار مقابل یک به نفع تیم برازیل خاتمه یافت.

تیم های فتبال ایتالیا و پیرو نیز درین شب باهم مسابقه دادند که بازی یک مقابل یک مساویانه خاتمه‌یافت.

تیم فوتبال اتحاد شوروی درمسابقه که باتیم زیلاند در شهر ملاگای اسپانیا انجام داد سه مقابل صفر‌برتیم زیلاند پیروز گردید.

همچنان شب ۲۹ جوزا تیم های بلژیک والسلوادور باهم مسابقه‌نمودند که بازی یک مقابل صفر به نفع تیم بلژیک خاتمه یافت.

تیم های کامرون و پولند نیز در همین شب با هم بهمسابقه پرداختند که بازی صفر مقابل صفر مساویانه خاتمه یافت. (ب)

بی تفاوت نباشید!

مشکل آب آشامیدنی در خیرخانه مینه

آب یگانه منبع بقای حیات انسان و همه زندگی جانها ست که با فقدان اندک آن، خطرات بزرگ‌جانی متوجه جسم میگردد. بنابر آن نباید در قسمت تهیهٔ آب آشامیدنی بی توجهی صورت بگیرد.

همین یکروز قبل‌درحوالی ظهر در منزل نشسته بودم، همینکه خواستم کمی استراحت کنم، دروازهٔ منزل ما چنان پیهم کوفته شد که مرا جداً عصبانی ساخت، بعد از آنکه دروازه بازشد، دیدم دختر کخرد سال همسایه که یک گیلاسی‌تهی نیز به دستش بود، بانفس سوخته و عجلهٔ تمام ازما‌طالب نیم گیلاس آب شد وگفت: لطفاً زود یک نیم گیلاس آب بدهید که گلویم از تشنگی خشکیده.

بلی خوانندهٔ عزیز بیاکه رازما جرا را برایت به صورت واضح باز گویم: شما حتمی میدانید که‌حصهٔ سوم خیر خانه مینه آب آشامیدنی ندارد و قرار معمول شاروالی کابل موظف است تا ذریعهٔ موتر های تانک برای اهالی آن ناحیه آب آشامیدنی برساند، ولی گاهی اتفاق میافتد که‌حتی برای چند روز پیهم به مردم آن ناحیه آب نمیرسد که مسلماً آنها را دچار مشکلات زیادی میسازد.

ما از مقامات مسئول خواهش میکنیم به این مساله که ارزش حیاتی دارد جداً توجه نمایند و بصدای‌اهالی خیر خانه‌گوش فرادهند.

«متیل»

بسیج در گروه‌های مدافع انقلاب

عده زیادی مردم زحمت کش قریه‌ای اودر لمش، ده بای و مقصود مربوط ولایت سمنگان اخیراً به صورت داوطلبانه در گروه های مدافعین انقلاب قریه‌ای متذکره بسیج گردیدند.

آنان به مقامات حزبی و امنیتی آن ولایت مراجعه کرده ضمن ابراز همبستگی قاطعانه با حزب و دولت انقلابی با پیوستن به گروه های مدافعین انقلاب عملا در خدمت توده‌های مردم و انقلاب قرار گرفته و اظهار آمادگی نمودند که بر علیه دشمنان انقلاب، مردم ووطن به مبارزه بر حق خود ادامه میدهند.

امتعه جدید تجارتی

قهوه مهمترین امتعهٔ صادراتی برازیل میباشد. کمپنی های بزرگ غربی جنس دیگری را درین کشور کشف کرده اند که بمراتب سود آور تر از قهوه است. این کمپنی ها خون مردمان بی بضاعت این کشور را بقیمت نازل خریده و ذریعهٔ طیاره آنرا به ایالات متحده امریکا و اروپا انتقال می دهند و شصت مرتبه بیشتر تر به فروش میرسانند. روزنامه فرانسوی «ژون افریک» می نویسد که کمپنی های جمهوری آلمان فدرال سالانه ازنواحی شهر

از دور جهان

«ریو دو جانیرو» بیش ازده هزار لیتر خون خریداری کرده و آنرا به آلمان ارسال میدارند.

طبق گزارش روزنامه‌های غربی در شهر «مانریال» حتی دفتری وجود دارد که‌مسئول تنظیم نرخ، نگهداری و ارسال طلای سرخ به اروپاو امریکا میباشد.

روح هتلر

روزنامهٔ نیو یارکی «ولیج و یتس» مینویسد که «اندی وارول» نه تنها سر اینده بلکه کسیست که میتواند ارواح رابخواهد و باوی آزادانه صحبت نماید. چندی قبل مصاحبهٔ با روح هیتلر نمود. هیتلر در جواب سوالی که او میخواهد بازهم رهبر باشد، گفت: «کار بدی نیست»، وی در جواب‌سوالی در ارتباط به مسایل متشنج بین المللی گفت که اگر جنگ اتومی آغاز گردد در آن‌حتما ایالات‌متحده امریکا برنده میگردد.

معلومات

تلویزیون

پنجشنبه ۳سرطان

۳۴ر۵ دانش برای مردم

۰۰ر۶ پروگرام ورزش

۰۰ر۷ پروگرام خاص ماه مبارک رمضان.

۲۵ر۸ پروگرام رنگارنگ

۰۰ر۹ فلم هنری

صبح جمعه

۳۹ر۹ فلم مستند

۵۴ر۹ راپور علمی

۹ر۱۰ برگزیده های از لابلای نشرات تلویزیون

۹ر۱۱ موسیقی فرمایشی سربازان

شام جمعه

۳۴ر۵ پاسداران انقلاب

۰۰ر۶ پروگرام صحت

۰۰ر۷ پروگرام خاص‌ماه‌مبارک‌رمضان

۲۵ر۸ وقایع مهم هفته

۵۰ر۸ آهنگ های جدید

۲۰ر۹ سریال هفته

شنبه ۵ سرطان

۳۴ر۵ پروگرام کودک، فلم‌کارتونی

۰۰ر۶ پروگرام در راه انکشاف

۰۰ر۷ پروگرام خاص‌ماه‌مبارک‌رمضان

۲۵ر۸ تلویزیونی مجله

۱۵ر۹ برنامه خارجی

راديو

پنجشنبه ۳ سرطان

۳۰ر۶ پیام بامدادی

۵ر۸ کودنی ژوند

۵ر۱۰ دریچهٔ زندگی

۵ر۱۱ پروگرام کارگر

۵ر۱ نگاهی به نشرات رادیو

۳۰ر۶ پروگرام خاص‌ماه‌مبارک رمضان

۱۵ر۱۰ زمزمه های شب هنگام

۰۰ر۱۱ نوای دوستان

تیلفون

سوچبورد کمیته مرکزی ۴۴-۲۵۷۴۱

کمیته ولایتی	۴۲۹۴۱
کمیته شهری	۴۰۷۸۶
ناحیه اول	۲۱۸۹۲
ناحیه‌دوم	۲۲۳۷۴
ناحیه سوم	۴۲۳۵۹
ناحیه چهارم	۳۰۰۷۵
ناحیه پنجم	۳۰۸۵۰
ناحیه ششم	۴۱۴۰۸
ناحیه هفتم	۴۱۸۵۲-۴۲۳۶۰
ناحیه هشتم	۲۲۳۵۷
ناحیه‌نهم	۲۲۶۵۰-۲۴۷۶۲
ناحیه دهم	۲۳۲۲۹-۲۰۸۲۷
ناحیه‌یازدهم	۳۱۶۵۲
سازمان د.ج.ا	۲۳۴۳۱
اتحادیه‌های صنفی	۲۳۰۴۰
سازمان د.ز.ا	۲۲۷۹۸
کوپراتیف های زراعتی	۳۲۲۱۱
شفاخانه ها	
شفاخانه علی آباد	۴۰۲۴۲
شفاخانه‌عاجل ابن‌سینا	۲۲۰۵۱
شفاخانه جمهوریت	۲۵۸۸۱
شفاخانه صحت طفل	۲۳۸۴۱
ملالی‌زیږنتون ومعلومات	۳۱۷۱۰
حوزه های امنیتی	
حوزه‌اول، پل‌باغ‌عمومی	۲۲۹۰۰
حوزه‌دوم، پښتونستان‌واټ	۲۳۳۵۶
حوزه‌سوم، کارته‌٤	۴۱۴۰۰
حوزه‌چهارم، کارته‌پروان	۳۱۶۸۷
حوزه‌پنجم، خوشحال مینه	۴۱۲۷۱
حوزه ششم، قلعه شاده	۴۲۸۵۵
حوزه‌هفتم، گذرگاه	۴۲۶۰۰
حوزه هشتم، شاه شهید	۲۵۸۰۰
حوزه ۹، وزیر اکبرخان	۲۵۹۰۰
حوزه دهم، شیرپور	۳۱۶۰۰
حوزه یازده، خیرخانه مینه	۳۱۶۵۱
اطفائیه عاجل	۱۳
حادثات ترافیک	۴۲۰۴۱

زیر نظر هیأت تحریر — مدیر مسؤول: محمود بریالی

تیلفونها: سوچبورد ۲۳۶۵۹ ۲۴۲۱۵ ۲۳۳۵۵ — معاون ۲۲۷۴۸ — صندوق پستی ۷۸۰ — صبح روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه نشر میشود. — شکایات توزیع ۲۶۸۵۹ — حساب بانکی ۱۸۱۰۱/۹ — قیمت یک‌شماره ۲۰ افغانی — چاپ ویب آفست مطبعه دولتی